

وزارت معارف
معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیهٔ معلم
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی
و تألیف کتب درسی

کتاب معلم

رهنمای تدریس

تعلیم و تربیهٔ اسلامی

صنف ۴

سال چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش.



وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم

ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف

کتب درسی

رهنمای معلم

تعلیم و تربیهٔ اسلامی

صنف چهارم

سال چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش.

مؤلفین:

- سعید احمد شریفی عضوعلمی ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی وتألیف کتب درسی.
- عبدالسلام تائب عضوعلمی ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی وتألیف کتب درسی.
- مریم نیازی عضوعلمی ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی وتألیف کتب درسی.

ایدیت علمی ومسلکی:

محمد آصف کوچی

کمیتهٔ نظارت:

- دکتور اسد الله محقق معین انکشاف نصاب تعلیمی و تربیهٔ معلم.
- دکتور شیر علی ظریفی رئیس پروژهٔ انکشاف نصاب تعلیمی.
- دکتور محمد یوسف نیازی سرپرست ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی.

دیزاین: سیدکاظم

بسم الله الرحمن الرحيم



ملي سرود

دا وطن افغانستان دی
دا عزت د هر افغان دی

کور د سولې کور د تورې
هر بچی یې قهرمان دی

دا وطن د ټولو کور دی
د بلوڅو د ازبکو

د پښتوناو هزاره وو
د ترکمنو د تاجکو

ورسره عرب، گوجر دي
پامېریان، نورستانیان

براهوي دي، قزلباش دي
هم ایماق، هم پشه یان

دا هیواد به تل ځلیږي
لکه لمر پر شنه آسمان

په سینه کې د آسیا به
لکه زړه وي جاویدان

نوم د حق مودی رهبر
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم

پیام وزیر معارف

سپاس بیکران آفریدگاری را که انسان را در احسن تقویم آفرید و او را قدرت بیان بخشید و به زیور علم و اندیشه آراست و درود بی پایان بر پیامبر مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی- صلی الله علیه وسلم- که معلم بزرگ انسانیت است و پیام‌آور رحمت و هدایت و روشنایی.

تعلیم و تربیت نقطهٔ آغاز هر تحول و سنگ بنای توسعه در هر جامعه است. هدف اصلی تعلیم و تربیت به فعلیت رساندن نیروهای بالقوهٔ انسان و شگوفا ساختن استعدادهای درونی وی است.

کتاب درسی یکی از ارکان مهم در فرایند تعلیم و تربیت محسوب می‌شود که همگام با تحولات و پیشرفت‌های علمی نوین و مطابق با نیازمندیهای جامعه تهیه و تألیف می‌گردد و باید دارای ظرفیت و ظرافتی باشد که بتواند آموزه‌های دینی و اخلاقی را توأم با فرآورده‌های علوم جدید با میتودهای نوین به شاگردان منتقل کند.

کتابی که اکنون در اختیار شما قرار دارد، بر اساس همین ویژه‌گی‌ها تهیه و تألیف شده است. سعی وزارت معارف همواره براین بوده که نصاب تعلیمی و کتب درسی معارف کشور، متکی بر مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و حفظ هویت ملی، مطابق با معیارهای علمی و روش‌های تربیتی نوین بوده، استعدادهای دانش آموزان را در همه زمینه‌های اخلاقی و علمی شگوفا گرداند و قدرت تفکر، ابتکار و حس جستجوگری را در آنها تقویت بخشد. ترویج فرهنگ گفتگو و رواداری، تقویت حس وطن دوستی، مهربانی، گذشت و همبستگی از خواست‌های دیگر وزارت معارف است که باید در کتب درسی متبلور باشد.

کتاب‌های درسی بدون داشتن معلم خوب و مسلکی نمی‌تواند اهداف مورد نظر را بر آورده سازد. معلم یکی از ارکان مهم تعلیم و تربیت و مجری برنامه‌های آموزشی و تربیتی است. از معلمان و آموزگاران خوب، متعهد و دلسوز کشورم که ستیزه با سیاهی و نادانی را پیشهٔ خود ساخته اند، صمیمانه آرزومندم که با تطبیق دقیق و مخلصانهٔ نصاب تعلیمی، کودکان و جوانان میهن را بسوی فتح قله‌های رفیع دانش، اخلاق و معنویت رهنمون گردند.

کامیابی نظام آموزشی کشور بدون همکاری جدی مردم غیر ممکن است. ازین رو از همه اقشار و افراد ملت شریف افغانستان، بخصوص از خانواده‌ها و اولیای محترم شاگردان خواهشمندم که از هیچ‌گونه همکاری در جهت تحقق اهداف معارف دریغ نورزند. همچنان از همه نویسندگان، دانشمندان، متخصصان تعلیم و تربیت و اولیای محترم شاگردان تقاضا می شود که با ارایهٔ نظریات و پیشنهادهای سالم و نقدهای سازندهٔ خود وزارت معارف را در بهبود هر چه بیشتر کتابهای درسی همکاری نمایند.

لازم می‌دانم از تمام مؤلفان دانشمند و کارمندان اداری و فنی وزارت معارف که در تهیه، تألیف، طبع و توزیع این کتاب زحمت کشیده اند و از همه نهادهای ملی و بین المللی که در زمینهٔ چاپ و توزیع کتب درسی همکاری نموده اند، قدردانی و تشکر نمایم.

در اخیر از خداوند منان استدعا دارم که به لطف بی پایان خود، ما را در تحقق آرمانهای مقدس معارف یاری رساند. إنه سمیع قریب مجیب.

دکتور اسدالله حنیف بلخی

وزیر معارف

فهرست

درس اول

عنوان: عقیده

صفحه - ۱

وقت - دوساعت درسی

اهداف- شاگردان باید:

- بدانند که عقیده اسلامی اساس تمام اعمال است.
- ارکان ایمان واسلام را بفهمند.
- راجع به عقائد اسلامی بدیگران معلومات داده بتواند.

دانش لازمی

نام‌های عقیده اسلامی

راجع به عقیده علمای اسلامی اصطلاحات مختلف را بکار می‌برند مانند: عقیده، توحید، اصول دین، فقه الأکبر، وعلم کلام، ما درذیل همین سطور میخواهیم به قدر نیاز به اصطلاحات فوق آشنا شویم.

تعریف عقیده: لفظ عقیده که جمع آن عقاید است، از ماده(عَقد) مشتق میباشد و عقد از نظر لغت معانی ذیل را در بردارد: گره، وثوق، پیوند، شدت، اثبات، یقین، جزم، وغیره.

و در اصطلاح علم عقاید را چنین تعریف میکنند: (علم يقتِدر به على اثبات العقائد الدينية بإيراد الحجج عليها و دفع الشبهة عنها) یعنی عقیده عبارت ازعلمیست که انسان بوسیلۀ آن به اثبات عقائد دینی با ارائه دلایل برآن و دفع شبهات از آن، قدرت پیدا میکند.

۳ توحید در لغت مصدر(وَحَّدَ يُوَ حِّدُ تَوْحِيْدًا) بوده و به معنای یگانه دانستن، یا کسی را به یگانگی پنداشتن است.

و در اصطلاح: ایمان داشتن به یگانگی الله تعالی در ربوبیت (افعال)، الوهیت (عبادت)، اسماء و صفات، و تشریع و تقنین (قانون گذاری) میباشد.

انواع توحید:

۱- توحید الوهیت.

۲- توحید ربوبیت.

۳- توحید اسماء وصفات.

۴- اصول الدین: اصول جمع اصل و اصل درلغت ریشه و اساس و بنیاد را گویند. چون عقاید اسلامی اساس، ریشه و اصل تمام مسائل و احکام محسوب می‌گردد، بدین خاطر آنرا اصول دین نیز میگویند.

عقیده اساس تمام اعمال انسان است

عقیده اسلامی جوهر و سنگ بنیاد تمام اعمال انسان محسوب میشود و تا وقتی عقیده انسان درست نباشد هیچ عملی وی به درگاه الله تعالی شرف قبولیت حاصل نمی‌کند، بدین خاطر است که انسان نخستین تکلیفش ایمان به الله تعالی وضروریات اسلام است چنانچه حضرت معاذ ابن جبل را آن حضرت هنگامی که به طرف یمن فرستاد، برایش گفت (فليَكن أوَّل ما تدعوهم إليه أن يُوحدوا الله تعالى، فإذا عرَفوا ذلک، فأخْبِرهم أن الله فرَض عليهم خمس صلوات) یعنی باید اولین چیزی که ایشان را به آن فرامیخوانی این باشد که توحید را بپذیرند و هرگاه این را پدیرفتند، به آنها بگو که الله تعالی برایشان پنج وقت نماز را فرض کرده است.

– ارکان ایمان

ارکان ایمان را به استناد از آیات قرآن کریم چنین می‌نگاریم:

۱- ایمان به خداوند(مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ).

۲- ایمان به فرشتگان(وَالْمَلَائِكَةِ).

۳- ایمان به کتابهایی که خداوند بر پیامبران نازل کرده است(وَالْكِتَابِ)

۴- ایمان به همهٔ پیامبران(وَالنَّبِيِّينَ).

۵- ایمان به روز آخرت(وَالْيَوْمِ الْآخِرِ)

۶- ایمان به تقدیر خیر باشد و یاشر(إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ).

ارکان اسلام

اسلام بر پنج رکن بنا شده که رسول الله ﷺ آن را چنین بیان نموده اند: (بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ). رواه البخاری.
یعنی اسلام بر پنج اساس بنا شده است: گواهی دادن به اینکه معبودی بر حقی بجز الله نیست و اینکه محمد ﷺ، پیامبر الله است، و برپا داشتن نماز و دادن زکات و حج و روزهٔ رمضان.

فایدهٔ عقیده درست

عقیدهٔ صحیح سبب هدایت انسان در دنیا شده و همچنین او را از عذاب آخرت در امان می‌دارد، الله تعالی می‌فرماید: ﴿الَّذين آمنوا ولم يَلْبِسُوا إيمانَهُم بظلمٍ أُولَئك لَهم الأَمْنُ وَهُم مُّهتدون﴾ یعنی کسانیکه ایمان آوردند و ایمان خود را به شرک آلوده نساختند از عذاب در امان خواهند بود و آنها هدایت شدگانند.

روش‌های تدریس: روش سخنرانی، پرسش و پاسخ و روش بحث گروهی.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر...

جریان درس

وقت ۴۵ دقیقه	فعالیت معلم	فعالیت شاگردان
آغاز درس ۱۰ دقیقه	معلم محترم بعد از تقدیم سلام، احوال پرسی و سال جدید تعلیمی و ارتقای شاگردان به صنف جدید را تبریکی گفته، به موضوعاتی که سال گذشته تدریس شد اشاره کوتاه نموده، پیرامون کتاب تعلیم و تربیه اسلامی صنف چهارم و موضوعات و عناوینی که در این صنف تدریس خواهد شد معلومات مختصر داده و با شاگردان در مورد اهمیت این مضمون بحث و گفتگو می‌کند سپس معلم جهت ایجاد انگیزه در شاگردان به اهداف و انتظاراتی که بعد از تدریس مطالب این کتاب به آن خواهد رسید	-شاگردان جواب سلام را می‌دهند. -شاگردان به سخنان معلم گوش می‌دهند.
تقدیم درس ۲۵ دقیقه	واضح و روشن بیان می‌کند. و چند سوال را در مورد عقیده می‌پرسد سپس عنوان درس را روی تخته می‌نویسد(عقیده). بعد درس را قرائت نموده، یکی از شاگردان را برای خواندن بار دوم هدایت می‌دهد و خود کلمات مشکل و نکات مهم درس(صحت عقیده، روز آخرت، تقدیر خیر و شر) را روی تخته تحریر می‌نماید.	- شاگردان مطابق رهنمای معلم در مورد درس با هم صحبت می‌کنند.
خلاصه درس ۵ دقیقه	بعداً درس را تشریح نموده، سپس به شاگردان فرصت می‌دهد تا روی تعریف عقیده، معنای لغوی و اصطلاحی عقیده‌های کوتاه نمایند. در اخیر خلاصهٔ درس را به گونهٔ ذیل بیان میدارد: عقیده ایمان و باور را گویند و اساس تمام اعمال است. ما بر خداوند، ملائک، کتابهای آسمانی، پیامبران، روز آخرت و تقدیر خیر و شر ایمان داریم.	شاگردان به سؤالها جواب می‌دهند.
ارزیابی ۵ دقیقه	**ارزیابی** معلم محترم طبق رهنمایی کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می‌کند. **کار خانه گی** معلم محترم طبق رهنمایی کتاب درسی به شاگردان وظیفه خانه گی می‌سپارد. و هدایت می‌دهد تا متن درس را در کتابچه‌های خود بنویسند.	شاگردان کارخانه گی را یاد داشت نموده و در منزل انجام می‌دهند.

درس دوم

عنوان: الله

صفحه - ۳

وقت - دوساعت درسی

اهداف- شاگردان باید:

- الله تعالی را بشناسند.
- برخی صفات خداوند را درک کنند.
- معنی و مفهوم عبادت را بیان کنند.
- به عبادت خداوند علاقه‌مند شوند.

دانش لازمی

- تحقیقی پیرامون لفظ (الله):

لفظ (الله) که اصل آن (اله) است از لحاظ لغت عربی به هر معبودی اطلاق میشد خواه حق باشد و یا باطل و از لحاظ اصطلاح به ذات اقدس الهی اطلاق آن غالب شده و نام ذاتی او تعالی قرا گرفته است، چنانچه درتعریف این لفظ میگویند: (الله علم على الذّات العليَّة الواجبة الوجود، الجامعة لصفات الألوهّية) و به هیچ کس دیگری اطلاق آن درست نیست. پس الله یعنی معبود برحقی که جز او معبود دیگری نیست، قابل ذکراست که لفظ(الله) ازچیزی اشتقاق نشده و جامد میباشد.

جامعیت لفظ(الله)

لفظ (الله) درجملهٔ اسمای خداوند بسیار جامع است و به همین خاطر است که او را اسم اعظم میگویند زیرا برای خداوند علاوه از آن؛ اسم دیگری بدین مثابه جامع باشد و موصوف تمام صفات الله تعالی قرار گیرد نیست، درایهٔ ۲۲ سوره حشر الله درجای بیان صفاتش لفظ الله را موصوف دیگر صفات قرار داده چناچه میفرماید: ﴿ **هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ**﴾ یعنی الله ذاتی است که جز او پروردگار و معبودی نیست، دانای غیب و آشکارا، او دارای مرحمت عام و مرحمت خاص است.

و نیز میفرماید: ﴿**هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ**﴾ یعنی خداوند ذاتی است که جز او پروردگار و معبودی نیست، او

فرمانروا، منزه، بی عیب و نقص، امان دهنده و امنیت بخشنده، محافظ ومراقب، غالب، بزرگوار و شکوهمند، و بلند مرتبه است از آنچه که با او شریک میکنند.

مفهوم عبادت

عبادت به معنای اظهار ذلّت، عالی‌ترین نوع تذلّل و کرنش در برابر خداوند است، برای بیان اهمیّت آن، همین بس که آفرینش هستی و بعثت پیامبران (عالم تکوین و تشریع) برای عبادت است، خداوند می‌فرماید:

﴿**وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ**﴾ [الذاریات: ۵۶] یعنی من جن وانس را صرف بخاطر عبادت خویش آفریده ام.

هدف دعوت تمام پیامبران الهی همانا مسئلۀ پرستش وعبادت خالصانه الله تعالی بوده است طوریکه میفرماید: ﴿**وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولاً أَنِ اعْبُدُواْ اللّهَ وَاجْتَنِبُواْ الطَّاغُوتَ**﴾ [النحل: ۳۶] یعنی ما به میان هر ملّتی پیغمبری را فرستاده ایم که خدا را بپرستید و از طاغوت دوری کنید.

درحالیکه الله تعالی نیازی به عبادت ما ندارد زیرا او تعالی می‌فرماید:﴿**فانّ اللّه غنیٌّ عنکم**﴾

[الزمر: ۷] یعنی الله تعالی ازشما بی نیاز است، پس ثمره وفائده عبادت انسان به خود وی برمیگردد.

شرک بزرگ ترین گناه

تعریف شرک: شرک آنست که کسی با خداوند در عملی حق خالص خداوند است چیزی (مخلوق و غیره) را شریک بگرداند.

مثلا: دیگران را که برابر است انسان باشد، جنیات، و فرشتگان باشد و یا سنگ و چوب وغیره با خداوند شریک بگرداند و آن را پرستش و عبادت نماید و از او فرمان ببرد، و یا از او استعانت بخواهد و یا کاری کند که به جز الله تعالی دیگری سزاوار آن نیست.

حقیقت این است که شرک آوردن با الله تعالی از بزرگترین گناهان و کلان ترین جفا درحق خداوند و حق خود انسان است. الله تعالی بهشت را بر مشرکان حرام قرار داده طوریکه میفرماید: ﴿**إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللّهُ عَلَيهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ**﴾ [المائده: ۷۲]. یعنی هر کس شریکی برای خدا قرار دهد، خداوند بهشت را بر او حرام کرده است، و جایگاه او دوزخ است، و ستمکاران، یار و یاوری ندارند.

و در جای دیگر چنین میفرماید: ﴿ **إِنَّ اللّهَ لاَ يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللّهِ فَقَدِ افْتَرَى إِثْماً عَظِيماً**﴾ [النساء: ۴۸] یعنی خداوند (هرگز) شرک را نمی‌بخشد و علاوه از شرک را برای هر کس می‌بخشد.

روش‌های تدریس: سخنرانی، پرسش و پاسخ، مطالعات فردی و بحث گروهی.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر...

جریان درس

وقت ۴۵ دقیقه	فعالیت معلم	فعالیت شاگردان
مقدمه ۵دقیقه	معلم محترم بعد از تقدیم سلام و احوال پرسی، تنظیم صنف و نصایح مقتضی، درس گذشته را به طریقۀ ذیل ارزیابی میکند: عقیده چی را گویند؟ اساس تمام اعمال چیست؟ ارکان ایمان چیست؟	- شاگردان جواب سلام را می‌دهند. - شاگردان به سوالات معلم محترم جواب می‌دهند.
تقدیم درس ۳۰ دقیقه	بعد برای تدریس بهتر و جلب توجه شاگردان اهداف درس جدید را به شاگردان بیان می‌کند و چند سوال را نیز پیرامون درس جدید می‌پرسد بعد عنوان درس (الله ﷻ) را روی تخته نوشته درس را قرائت می‌نماید، سپس یکی از شاگردان را برای خواندن بار دوم هدایت می‌دهد و خود کلمات مشکل و نکات مهم درس(کائنات، تابع امر الله، مخلوقات) را روی تخته تحریر می‌نماید. بعداً درس را تشریح میکند وبرای تحکیم پروسه تدریس، زمینه پرسش و پاسخ را در صنف مساعد می‌سازد و به شاگردان اجازه می‌دهد تا پیرامون موضوع درس سوال کند و خود با استفاده از تشویق‌های کلامی، به پاسخ سوالات می‌پردازد. معلم شاگردان را به چند گروپ تقسیم نموده، سپس آنها را هدایت می‌دهد تا در مورد اینکه زمین، کوهها، درختها، گیاه ها، آسمانها و تمام مخلوقات تابع الله متعال هستند، بحث نمایند و خودش گروپ‌ها را رهنمایی لازم نموده و به نوبت در بحث‌های گروپی سهم می‌گیرد. بعد برای تثبیت مطالب ارائه شده در ذهن شاگردان درس ارائه شده را چنین خلاصه می‌کند: الله ﷻ یکی است، شریک و مانند ندارد، تمام کائنات را خلق کرده و هیچ چیز از او پنهان نیست، و هیچ کاری بدون ارادۀ الله متعال صورت نمی‌گیرد و ما تنها الله ﷻ را عبادت می‌کنیم.	-شاگردان به درس گوش فرا می‌دهند. -شاگردان مطابق هدایت معلم فعالیت را انجام می‌دهند.
خلاصۀ درس	بعد معلم محترم برای اینکه دانسته شود که آیا شاگردان به	

۵ دقیقه ارزیابی ۵دقیقه	سطح مهارتی که توقع می‌رود رسیده اند یانه؟ با طرح سوالهای زیر شاگردان ارزیابی می‌گردند. ما چگونه می‌توانیم الله را عبادت نمایم؟ بعضی از صفات الله متعال را نام بگیرید؟ تمام کائنات را کی خلق کرده است؟ معلم پس از ارزشیابی و مشخص کردن نقاط قوت و ضعف، راهنمایی لازم نموده و شاگردان را هدایت می‌دهد تا طبق رهنمایی کتاب درسی وظیفه خانه‌گی را انجام دهند. با تحسین و سپاسگذاری از فعالیت‌های شاگردان و نحوه سهم‌گیری شان در جریان درس و تشویش آنها در زمنیه و خداحافظی ساعت درسی به پایان می‌رسد.	 - شاگردان گوش می‌دهند. - شاگردان کارخانه‌گی شان را انجام می‌دهند.

درس سوم وچهارم

عنوان: صفات ذاتی الله تعالی

صفحه - ۷

وقت - یک ساعت درسی

اهداف- شاگرادان باید:

- صفات ذاتی الله تعالی را بشناسند.
- مفهوم صفات ذاتی الله تعالی را درک کنند.
- برای توضیح وتشریح صفات الله تعالی دلائل بیان کرده بتوانند.

– دانش لازمی

– صفت قدرت الله تعالی

یکی از صفات الله تعالی قدرت است یعنی خداوند دارای قدرت عظیمی است که احدی از مخلوفات چنین قدرتی را دارا نیست برای اینکه مفهوم صفت قدرت الله تعالی درست فهمیده شود علماء مینویسند که اصطلاحات ذیل: (القوی، المتین، العزیز، القادر، المقتدر) استفاده شده است معانی این صفات به هم نزدیک است طوریکه میفرماید: ﴿ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ (یونس:۶۵) یعنی: عزت (و قدرت) همه، از آنِ خداست. و می‌فرماید: ﴿ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴾ (هود:۶۶) یعنی: پروردگار تو، نیرومند و چیره است.

خداوند، مفاهیم سه گانه قدرت و برتری را به صورت کامل دارا می‌باشد:

۱-عزت در قدرت و توانایی، نامهای (القوی) و (المتین) بر مفهموم عزت دلالت می‌نمایند و این، صفت بزرگ اوست که قدرت مخلوقات هر چند بزرگ باشد، به آن نمی‌رسد.

۲ـ عزت در برتری و بی نیازی او بی نیاز است و به هیچکس نیاز ندارد﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾ یعنی خداند بی نیاز است.

۳ـ برتری و چیرگی، تمام هستی در برابر عظمت خدا، فروتن و تسلیم ارادهٔ اوست ﴿ مَّا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ ﴾ (لقمان:۲۸) یعنی آفرینش شما (در آغاز) و زنده گرداندن شما جز همسان (آفرینش و زنده گردان) فردی نیست.

صفت اراده و اقسام آن

اراده نیز یکی اصفات الله تبارک و تعالی بوده و آن بر دو قسم ذیل میباشد:

- ادراۀ کونیه که به معنای مشیت است.
- اراده شرعیه که به معنای محبت است.

دلیل اراده کونیه، الله تعالی میفرماید: ﴿ **فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ**﴾ [الأنعام: ١٢٥] یعنی پس کسی را که خداوند اراده کند که هدایت دهد، سینه‌اش را به اسلام روشن و منشرح می‌گرداند.

دلیل اراده شرعیه: الله تعالی میفرماید: ﴿ **اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ** ﴾ [النساء: ٢٧] یعنی و خداوند اراده کرده است که توبه شما را بپذیرد.

تفاوت بین ارداۀ کونی وشرعی

در اراده کونیه همواره باید مقصود و مراد انجام پذیرد، و این مقصود و مراد ممکن است محبوب خداوند بوده، و ممکن است که خداوند آن را دوست نداشته باشد، اما در اراده شرعیه وقوع و حاصل شدن مقصود و مراد لازم نیست، اما همواره مقصود و مراد، محبوب خداوند است.

صفت سمع وانواع آن

یکی دیگر از صفت الله تعالی صفت سمع یعنی شنیدن است، صفت سمع برای الله به گونه کمال آن ثابت ولی ثبوت آن طوری است که به شأن خداوند لایق و سزاوار باشد،قسمی که درفقه اکبر میگوید: (يَسمَعُ لاكَسَمعِنا) یعنی الله تعالی میشنود ولی نه مانند شنیدن انسانها. خدوداند میفرماید: ﴿**وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلعَلِيمُ**﴾ [الأنبياء: ۴] یعنی و او است شنوای دانا.

انواع صفت سمع

١- سمع به معنی اجابت است که در این صورت از صفات فعلی میباشد و مثال آن این قول خداوند است: ﴿**إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ** ﴾ [ابراهيم: ٣٩] یعنی به راستی پروردگار من دعا را اجابت می‌کند.

٢- سمع به معنای إدراک مسموع (شنیده شدنی) چناچه دراین آیه مبارکه ذکرشده است: ﴿**قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا**﴾ [المجادله: ۶٠] یعنی خداوند قول زنی را که در مورد شوهرش با تو سخن می‌گفت شنید.

صفت بصر الله تعالی وانواع آن

هدف ار صفت بصر الله تعالی همان صفت رؤیت و دیدن است که الله تعالی تمام اشیاء را میبیند و هیچ چیزی از نظر و دید او تعالی پنهان و پوشیده نیست و این صفت نیز برای خدواند ثابت است به گونهٔ شایان شأن او ست.

اقسام این صفت الله تعالی

– بصر به معنی ادراک مبصرات و مرئیات میباشد و دلیل آن این آیه است ﴿**إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى**﴾ [طه: ۴۶] یعنی من با شما هستم، می‌شنوم و می‌بینم. و همچنان آیهٔ ﴿**وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْبَصِيرُ**﴾ [الاسراء: ۱] و او است شنوای بینا.

–بصر به معنی علم است و دلیل آن این قول خداوند است: ﴿**إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ۝ وَنَرَاهُ قَرِيبًا**﴾ [المعارج: ۶-۷] یعنی آنها قیامت را دور می‌بینند و ما آن را نزدیک می‌بینیم(آن را نزدیک می‌دانیم)

صفت علم

خداوند ذاتی است که به داخل وخارج، به پیدا، پنهان، به واجبات و محالات و ممکنات و به جهان علوی سفلی و به گذشته و حال و آینده بطور کامل آگاه است و از آن خبر دارد. نصوص بسیاری در بیان فراگیر بودن علم و آگاهی خداوند آمده است. به اندازه ذره ای یا کوچکتر و بزرگتر از آن، در آسمان و زمین از نظر خداوند پنهان نمی ماند؛ خداوند، نه غفلت می‌ورزد و نه فراموش می‌کند؛ علم و دانش گسترده و گوناگون مردم و آفریده ها، در مقایسه با علم و آگاهی خداوند، هیچ چیزی نمی‌باشد.

پس هیچ چیزی بر او پوشیده و پنهان نیست: چنانکه می‌فرماید: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴾ [الانفال: ۷۵] یعنی خداوند به هر چیزی داناست. ونیز میفرماید: ﴿ وَهُوَ ٱلْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْخَبِيرُ﴾ [الانعام: ۱۸]یعنی: او بر سر بندگان خود مسلط و او، دانای آگاه می‌باشد.

صفت حیات: صفت دیگری ازصفات الله تعالی صفت (حَیّ) میباشد یعنی خداوند بزرگ و عظیم همیشه میباشد و هیچ گاهی موت برآن طاری نمی گردد این صفت خداوند درجا جای قرآن ذکر شده است مانند:

﴿ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْحَيُّ ٱلْقَيُّومُ ﴾ [البقره: ۲۵۵] یعنی جز الله، خدایی نیست و او، زنده و متصرف است. و نیز میفرماید: ﴿ الٓمٓ ۝ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْحَيُّ ٱلْقَيُّومُ ﴾

[ال عمران: ۱-۲] (یعنی الف، لام، میم، جز الله تعالی معبودی برحق دیگری نیست و او، زندهٔ پایدار است.

صفت دیگر الله تعالی القیّوم است، صفات **حی** و **قیوم**، از نامهای نیک خداوند هستند و در برخی آیات قرآنی درکنارهم قرار گرفتند و یکجا ذکر این دو صفت بسیار مناسب و موزون به نظر میرسد، چون این

دو، تمام صفات کمال را در بردارند. **حی** (زنده) یعنی کسی که حیات او کامل است و این، همه صفات ذاتی خداوند مانند علم، قدرت، اراده و عظمت و کبریا و دیگر صفات ذات مقدس را شامل می‌شود و **قیوم** (پایدار)، یعنی کسی که پایداری اش کامل است و دو معنی دارد:

-او، ذاتی است که قائم به ذات خودش می‌باشد و صفات او بزرگند و از همه آفریده هایش بی نیاز است.

-آسمانها و زمین و مخلوقاتی که در آنها هستند، بوسیله او، قایم گشته اند.

صفت کلام: یکی دیگر ازصفات خداوند بزرگ صفت کلام است یعنی الله تعالی طبق شأن و مقامش وچگونه که لایق و سزاوار اوست سخن میگوید و تکلم میکند چون کلام الله تعالی مانند کلام و سخن انسانها نیست و نیز باید بدین عقیده و باور باشیم که الله تعالی متکلم است و کلامش قدیم است نه مُحدَث و نو پیدا دلیل اینکه الله تعالی میفرماید: ﴿**مِنهم َمن كَّلم اللّه**﴾ [البقره: ۲۵۳] یعنی برخی آن پیامبران کسانی اند که باخداوند سخن گفته اند. و نیز میفرماید: ﴿**وكَّلَم اللُّه موَسى َتكلِيمًا**﴾ [النساء: ۱۶۴] یعنی الله تعالی با موسی علیه السلام سخن گفت.

درس پنجم

عنوان: صفات فعلی الله تعالی

صفحه – ۹

وقت – سه ساعت درسی

اهداف– شاگردان باید:

– صفات فعلی الله متعال را بشناسند.

– میان صفات فعلی و صفات ذاتی الله ﷻ فرق کرده بتوانند.

– صفات فعلی الله متعال را به دیگران بیان کرده بتوانند.

دانش لازمی

صفت خالقیت الله تعالی

خداوند ذاتی است که تمام مخلوقات و موجودات کاینات را به قدرت عظیم خود آفریده و درآفرینش کائنات و موجودات هیچ کس او را کمک نکرده و نه او تعالی از کسی کمک خواسته است چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡخَٰلِقُ ٱلۡبَارِئُ ٱلۡمُصَوِّرُۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ ﴾ [الحشر: ۲۴] یعنی او خداوندی است که طراح هستی و آفریدگار آن از نیستی و صورتگر جهان است دارای نامهای نیک و زیباست.

همچنان می‌فرماید: ﴿ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ ٱلۡخَلَّٰقُ ٱلۡعَلِيمُ ﴾ [الحجر: ۸۶] یعنی بی گمان پروردگار تو آفریدگار بسیار آگاهی است.

صفت رازقیت الله تعالی

یکی از صفات الله عالی رزّاق بودن او تعالی است یعنی ذاتی است که تمام موجودات و مخلوقات رزق و رزوی میدهد و همهٔ پدیده‌های کائنات را که دیده می‌توانیم و یاخیر، خورد باشد و یا کلان چناچه الله تعالی راجع به صفت رزاقیت خود میفرماید:﴿ **إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ**﴾ [الذاریات: ۵۸] یعنی تنها خدا، روزی رسان، نیرومند و استوار است.

و نیز میفرماید: ﴿ ۞ وَمَا مِن دَآبَّةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ رِزۡقُهَا ﴾ [هود: ۶] یعنی هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزی آن، بر عهده خداست.

صفت احیاء و اماتت یعنی زنده کردن و میرانیدن

حیات و موت هردو بدست الله تعالی میباشد، او تعالی ذاتی است که برای مخلوقات و موجودات، حیات وجان و همچنان مرگ و موت می‌دهد ﴿**الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ**﴾ [الملک: ۲] یعنی الله تعالی ذاتیست که مرگ و زندگی را پدید آورده است تا شما را بیازماید کار کدام تان بهتر و نیکوتر خواهد بود، او غالب و توانا،و بخشاینده است. و همین گونه درجای دیگر میفرماید:﴿ **زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن لَّن يُبْعَثُوا قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ**﴾ [التغابن: ۷] یعنی کافران می پندارند که هرگز زنده و برانگیخته نخواهند گردید بگو: چنین نیست که می پندارید، به پروردگارم سوگند! زنده و برانگیخته خواهید شد، و سپس از آن اعمالی که کرده اید با خبرتان خواهند کرد، و این کار برای خدا ساده و آسان است.

﴿**رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لاَّ رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللّهَ لاَ يُخْلِفُ الْمِيعَادَ**﴾ [ال عمران: ۹] یعنی پروردگارا ! تو مردمان را در روزی که تردیدی در آن نیست جمع خواهی کرد، بیشک خداوند خلاف وعده نمی‌کند.

صفت رحمت

یکی از صفات الله تعالی صفت رحمت است که در قرآن کریم در دو جمله(الرحمن، الرحیم) بکار رفته است. الله تعالی بدون شک ذاتی بسیار مهربان، رحیم و کریم است، ذاتی است بندگانش را با آن همه معصیت و نافرمانی که دارند، مورد نوازش و مهربانی‌های بی پایانش قرار داده و فوراً مواخذه و سرزنش نمی‌کند و مهلت میدهد که بنده اش بسوی او تعالی برگردد و از کردهٔ خویش پشیمان شود.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ ٱلرَّحۡمَـٰنِ ٱلرَّحِيمِ ﴾ [فاتحه:۲] یعنی بخشنده مهربان است. و نیز خداوند متعال میفرماید:﴿وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّى غَنِىٌّ كَرِيمٌ ﴾ [النمل: ۴۰] یعنی: و هرکس، ناسپاسی نماید، پروردگار من، بی نیاز و صاحب کرم است.

خداوند متعال درجای دیگرچنین میفرماید:﴿ وَرَحۡمَتِى وَسِعَتۡ كُلَّ شَىۡءٍ ۚ فَسَأَكۡتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ ﴾ [الاعراف: ۱۵۶] یعنی و رحمت من، همه چیز را در برگرفته؛ آن را برای کسانی مقرر خواهم داشت که پرهیزگاری کنند.

صفت غضب

یکی از صفات الله تعالی همانا صفت خشم و غضب است یعنی خداوند متعال نیز خشمگین و غضب می‌شود و نیز اوتعالی خوشنود میگردد چنانچه درعقیده طحاویه میخوانیم: (والله يَغضَبُ ويَرضَى، لا كأحدٍ مِن الوَرَى) یعنی و خدا خشمگین و خشنود می‌شود، اما نه همانند یکی از مخلوقات.

و راجع به خشم خدا در قرآن کریم آمده است ﴿مَن لَّعَنَهُ اللّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ﴾ [المائده: ۶۰]

یعنی کسی که خدا او را لعنت کرده و بر او خشم گرفته. ودرآیهٔ دیگر چنین میفرماید: ﴿وَمَن يَقْتُلْ مُؤْمِناً مُّتَعَمِّداً فَجَزَآؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِداً فِيهَا وَغَضِبَ اللّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَاباً عَظِيماً﴾ [النساء: ۹۳] یعنی و کسی که مؤمنی را از روی عمد بکشد کیفر او دوزخ است و جاودانه در آنجا می‌ماند و خداوند بر او خشم می گیرد و او را از رحمت خود محروم می‌سازد و عذاب عظیمی برای وی تهیّه می‌بیند.

صفت اعزاز

اعزاز بدین معنی است که عزت بدست خداوند است او تعالی اگر کسی را عزت دهد دیگر او را کسی ذلیل کرده نمی‌تواند حقیقت این است که صرف خداوند عزت مید هد وبس﴿ إِنَّ ٱلۡعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴾ [یونس: ۶۵]یعنی عزت همه، از آنِ خداست.

و نیز می‌فرماید:﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاء وَتَنزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاء وَتُعِزُّ مَن تَشَاء وَتُذِلُّ مَن تَشَاء بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىَ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [ال عمران: ۲۶] یعنی بگو: ای پروردگارا ! همه چیز از آن تو ! تو هر که را بخواهی حکومت و دارائی می‌بخشی و از هر که بخواهی حکومت و دارائی را باز پس می‌گیری، و هر کس را بخواهی عزّت و قدرت می‌دهی و هرکس را بخواهی خوار می‌داری، خوبی در دست تو است و بی گمان تو بر هر چیزی توانائی.

و همچنان میخوانیم: ﴿أَيَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّه جَمِيعًا﴾ [النساء: ۱۳۹].

آیا عزّت را در پیش کافران می‌جویند ؟ یقیناً که عزّت و شوکت همه از آن خدا است.

همین طور می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴾ [المنافقون: ۸]. **یعنی:** حال آن که عزت، خاص خداوند و پیامبرش و مؤمنان است ولی منافقان نمی‌دانند.

صفت اِذلال

لفظ(إِذْلَال) از:«أَذَلَّ يُذِلُّ إِذْلَالًا» مشتق بوده وبه معنی رسوا کردن، ذلیل کردن و خوار و زبون کردن بکار میرود، و واژۀ دیگر ی که مترادف همین کلمه است نیز درباره الله تعالی استفاده شده است مانند:
إخذَال یعنی کسی را خوار و رسواکردن و بی یار و یاور قرار دادن است.
یعنی خداوند هرکی را که به فرامین و احکامش گوش فرا ندهد و توجه نکند، او را ذلیل و رسوا کرده بی یار و یاور میگذارد طوری که میفرماید:﴿ إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [ال عمران: ۱۶۰] یعنی: اگر خداوند شما را نصرت دهد، هیچ کس بر شما غالب نیست و اگر شما را فروگذارد چه کسی بعد از او شما را نصرت خواهد داد؟ و مؤمنان باید تنها بر خداوند توکل کنند.
پس فقط پیرو فرمانهای حق تعالی بوده و فقط او را پشتیبان خویش بدانید و فقط به او اتکا کنید و در ودرهرکار وبرنامه زندگی تان به او تعالی روی آورید چون اگر خداوند دست از کمک شما بردارد وشما را بی یاور بگذارد، دیگر چه کسی به داد تان خواهد رسید؟.

درس ششم

عنوان: قبر

صفحه - ۱۱

وقت - یک ساعت درسی

اهداف- شاگردان باید:

- بدانند که موت حق و چیز حتمی است.
- بفهمند که مسئلهٔ عذاب و راحت قبر جز عقیده مسلمانان است
- راجع به قبر و عذاب قبر دلایل بیان کنند.
- به عذاب و راحت قبر معتقد شوند.

دانش لازمی

روزی مرگ به سراغ می‌رسد

انسان از مرگ فرار می‌کند وهمین که مریض میشود از ترس اینکه مبادا بمیرد فوراً خود را معالجه می‌کند، جایی که احساس می‌کند بوی مرگ می‌آید آنجا پا نمی‌گذارند، ولی مرگ از راه دیگر وارد می‌شود و انسان هر قدر زرنگ باشد، مرگ از او باهوش‌تر است هر اندازه قدرت مند و سر مایه‌دار باشد از او نجات نمی‌یابد. مرگ چیزی است که برای داخل شدن به خانهٔ هیچ گاهی اجازه نمی‌گیرد، و به احدی رحم نمی‌کند، ضمانت وکفالت هم نمی‌خواهد پس او چیز حتمی ولابدی است ﴿**كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَن زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَما الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلاَّ مَتَاعُ الْغُرُورِ**﴾ [ال عمران: ۱۸۵] یعنی هر کسی مزه مرگ را می‌چشد، و بی گمان به شما پاداش خودتان به تمام و کمال در روز رستاخیز داده می‌شود. و هرکه از آتش دوزخ به دور گردد و به بهشت برده شود، واقعاً پیروز شده است و زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست.

و خداوند درجای دیگر می‌فرماید: ﴿**أَيْنَمَا تَكُونُواْ يُدْرِككُّمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ**﴾ [النساء: ۷۸]

یعنی هرکجا باشید، مرگ شما را در می‌یابد، اگرچه در برجهای محکم و استوار جایگزین باشید.

قبر چیست؟

قبر عبارت جای است که میت درآن دفن میگردد.

مسائل واحکام قبر

۱- قبر باید مورد احترام و تکریم قرار گیرد بخاطریکه در داخل آن انسان است و او قابل احترام میباشد به همین دلیل فقهای کرام اتفاق نظر دارند براینکه پایمال کردن قبور رفتن برآن امریست مکروه چون درحدیثی چنین میخوانیم (نهی أن توطأ القبور) یعنی پیامبر اسلام ازاینکه قبور پایمال شود، نهی فرموده است.

قبر باغی ازبهشت و یا گودالی از دوزخ

۲- ما مسلمانان به عذاب قبر و نعمت‌ها و خوشی‌های قبر اعتقاد داریم و هم‌چنین معتقد هستیم که قبر، یا گودالی از گودال‌های جهنم و یا باغی از باغ‌های بهشت میباشد، و دراین باره رویات متعددی وارد شده است مانند:

۳- زید بن ثابت روایت می‌کند: رسول خداﷺ در باغی که از قبیله بنی نجار بود بر قاطری سوار بود و ما همراه رسول خداﷺ بودیم، ناگهان قاطر از مسیر خارج شد و فرار کرد و نزدیک بود رسول خداﷺ به زمین بیفتد، در آنجا چهار، پنج، یا شش قبر بود، رسول اللهﷺ فرمود: «مَنْ يَعْرِفُ أَصْحَابَ هَذِهِ الْأَقْبُرِ؟» یعنی کسی هست که صاحبان این قبرها را بشناسد؟ شخصی گفت: بلی میشناسم، رسول اللهﷺ فرمود: این‌ها چه وقت مرده‌اند؟ آن شخص گفت: در حال شرک (در جاهلیت) مرده‌اند.

رسول الله فرمود: ﴿**إنّ هذه الأُمَّةَ تُبْتَلَى في قُبُورِها فلَوْلا أنْ لا تَدَافَنُوا لَدَعَوْتُ الله أن يُسْمِعَكُمْ مِنْ عَذابِ القَبْرِ الّذِي أسْمَعُ مِنْهُ**﴾ یعنی همانا این امت در قبرهایشان مورد آزمایش (بازخواست) قرار می‌گیرند، اگر خوف دفن نکردن مردگانتان، نمی‌بود من از خداوند متعال می‌خواستم که صدای (شکنجه‌های قبر) را که من می‌شنوم به شما هم بشنواند.

بعد از آن رسول اللهﷺ رو به ما کرد و فرمود: (تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ من عَذَابِ النَّار)یعنی از آتش جهنم به خدا پناه ببرید. صحابه کرام گفتند (نَعُوذُ بِاللَّهِ من عَذَابِ النَّار). از عذاب آتش به خداوند پناه می‌بریم. رسول الله فرمود:(تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ). از عذاب قبر به خدا پناه ببرید، صحابه گفتند:

(نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ). [۱]

---

[۱] - رواه مسلم (۲۸۶۷).

انسان درقبرش به پرسشهای ذیل مواجه می‌شود

پس از آنکه میت در قبر نهاده شد، دو فرشتۀ ترسناک و خشمگین نزد وی می‌آیند و او را می‌نشانند و از او سؤال می‌کنند:

س- (مَنْ رَّبُّکَ) پروردگار تو کیست؟.

ج- می‌گوید:(رَبِّی اللَّهُ) پروردگار من الله است.

س- می‌گویند: (مَا دِينُكَ؟) دین تو چیست؟.

ج- می‌گوید:(دِينِي الإِسْلاَمُ) دین من اسلام است.

س- می‌گویند:(مَا هَذَا الرَّجُلُ الَّذِي بُعِثَ فِيكُمْ؟) یعنی در مورد این شخص که در میان شما مبعوث شده است چه می‌گویی؟ (چهره‌ی نورانی رسول الله ﷺ پیش چشمانش آورده می‌شود).

ج- می‌گوید: او فرستاده‌ی خداوند متعال است.

س- می‌گویند: (مَا عَمَلُكَ بِهِ؟) چه عملی در دنیا انجام داده‌ای؟.

ج- می‌گوید: (قَرَأْتُ كِتَابَ اللهِ وَآمَنْتُ بِهِ وَصَدَّقْتُ بِهِ)یعنی کتاب خدا را خواندم، به آن ایمان آوردم و آن را تصدیق نمودم.

دوباره فرشتگان بر او فریاد زده و با خشم و غضب از او سؤال می‌کنند که پروردگار تو کیست؟ دین تو چیست؟ پیامبر تو کیست؟ (همان سؤالات قبلی را دوباره تکرار می‌کنند) و این آخرین سختی و آزمایشی است که مؤمن با آن مواجه می‌شود، خداوند متعال بر اساس آیۀ: ﴿**يُثَبِّتُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱلۡقَوۡلِ ٱلثَّابِتِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ**﴾[إبراهيم: ٢٧].

ترجمه: خداوند مؤمنان را به خاطر گفتار ثابت و استوار (و عقیدۀ پایدار) هم در این دنیا (در برابر زرق و برق و بیم و هراس مشکلات محفوظ و مصئون می‌نماید) و نیز در آخرت «قبر» (ایشان را به قول ثابت که مبنی به توحید و اقرار به رسالت حضرت محمدﷺ و حقانیت دین اسلام است استوار می‌دارد.)

قدرت و نیروی پاسخ دادن درست را به انسان مؤمن می‌دهد و او چنین پاسخ می‌دهد: پروردگار من الله، دین من اسلام و محمدﷺ پیامبر من است.

و اما انسان کافر و منافق در پاسخ سوالات فوق ناکام شده و در عذاب دایمی الهی گرفتار می‌گردد.

درس هفتم

عنوان: حشر

صفحه - ۱۳

وقت - یک ساعت درسی.

اهداف- شاگردان باید:

- بدانند که ایمان به حشر جزء معتقدات اسلامی است.
- درک کنند که انسان درمیدان محشر مورد باز پرس قرار میگیرد.
- راجع به محشر و حساب وکتاب معلومات ارائه کرده بتوانند.

دانش لا زمی

مفهوم حشر

حشر درلغت به معانی چون: برانگیختن، بعث، جمع کردن، وغیر به کار می‌رود.

و در اصطلاح: عبارت است از: دوباره زنده شدن مردم پس از مرگ و آماده شدن برای حساب و کتاب و داوری الهی درمیدان محشر. مسلماً مسئلهٔ حساب و کتاب و حشر و نشر وقتی مطرح میشود که انسان از مرحلهٔ اول زندگی اش که همانا حیات دنیوی آن است عبور کند و گذرش از این دنیا طی یک برنامه کوتاه مدت و مشخص انجام می‌پذیرد و آن وقوع قیامت است پس اگرانسان درحین وقوع قیامت زنده، با دمیدن صور اول توسط اسرافیل علیه السلام راهی جهان دیگر می‌گردد.

مرحلهٔ اول وقوع قیامت

وقتی که حضرت اسرافیل صور را برای اولین بار به صدا در می‌آورد تمام موجودات زنده ای که بر روی زمین هستند بیهوش شده و نابود می‌شوند، طوری که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿**وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ**﴾ [الزمر: ۶۸]. یعنی و چون دمیده شود در صور پس آنچه از موجودات زنده که در آسمان و زمین هستند بیهوش شده و می‌میرند.

و درجای دیگر چنین میفرماید: ﴿**فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ، وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً، فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ، وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ**﴾ [الحاقه: ۱۳-۱۶] یعنی هنگامیکه دمیده شد در صور (بوق) یک دمیدن، و برداشته شدند زمین و کوهها و هر دو به یک بار در هم کوبیده شدند، و در آن روز واقعه قیامت به وجود آید، و آسمان از هم شگافته، و با آن استحکام و نظم و در آن روز سست و بی پایه است و از هم پاشیده شده است.

مرحلۀ دوم رستاخیز و نیز برای بار دوم وقتی اسرافیل علیه السلام درصور میدمد، این بار همگی زنده شده و از قبرهای شان بر می‌خیزند و به سوی محشر جهت حساب و کتاب حرکت می کنند. قسمی که الله تعالی در جای دیگری از قرآن کریم میفرماید: ﴿**ثُمَّ نفخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ**﴾ [الزمر: ۶۸].

و در این وقت مردمان سراسیمه و پابرهنه و بدون لباس، ختنه نشده، (مانند روزی که از مادر زائیده شده اند) از قبرهایشان بر می‌خیزند، و از شدت و سختی وضع موجود هیچ یک به دیگری نگاه نمی کند، و هر کس به خویش مشغول می‌باشد و آن روزی است که کفار می‌گویند: ﴿**يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا**﴾ [یس: ۵۲]. یعنی ای وای برما کی از خوابگاه مان بیدارمان کرد؟ و مؤمن می‌گوید:﴿**هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ**﴾ [یس: ۵۲]. یعنی این همان است که پروردگار رحمن وعده داده بود و پیامبران راست گفتند.

بسوی محشر

بعد از اینکه ازقبرهایشان بیرون میشوند به طرف سرزمین محشر حرکت داده میشوند الله تعالی در این مورد میفرماید: ﴿**يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا * وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وِرْدًا**﴾ [مریم: ۸۵-۸۶].

یعنی روزی ما پرهیزگاران را به گونه گروههائی که به نزد شاهان روند، در پیشگاه خداوند مهربان جمع می‌نمائیم، و گناهکاران را تشنه کام به سوی جهنّم می‌رانیم.

صحنۀ دشوار محشر

صحنۀ محشر و حضور در پیشگاه الله تعالی ذات عظیم و بزرگ آن قدر ساده و معمولی نیست بلکه بسیار دشوار و سخت است، خداوند در بارۀ صحنه وحشتناک روز محشر چنین بیان می‌فرماید: ﴿**يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ، وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ * وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ، لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ**﴾ [عبس: ۳۴-۳۷].

یعنی در آن روز که انسان از برادر خود فرار می‌کند، و از مادر و پدرش، و از همسر و فرزندانش، در آن روز هرکدام از آنان گرفتاری بزرگی دارد که او را به خود سرگرم می کند و از هر چیز دیگری باز می‌دارد.

گرمی میدان محشردر پرتو حدیث نبوی

خورشید با آن شدت حرارتش به آنها نزدیک شده و از تمامی بدن آنها عرق سرازیر می‌شود. چنانچه در حدیث نبوی آمده است: (يَعْرَقُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَذْهَبَ عَرَقُهُمْ فِي الْأَرْضِ سَبْعِينَ ذِرَاعًا وَيُلْجِمُهُمْ حَتَّى يَبْلُغَ آذَانَهُمْ). رواه البخاری. یعنی آنچنان مردم در روز قیامت عرق می‌کنند که عرق آنها هفتاد ذراع (گز) در زمین فرو می رود، و تا گوشهایشان غرق در عرق می‌شوند.

آغاز حساب دهی: پس از آنکه مدتی در حال هراس وحشت در آن باقی میمانند، پیامبر اکرمﷺ به درگاه الهی رجوع میکند و برای پایان بخیشدن به این حالت رقت بار شفاعت میکند و الله تعالی شفاعت آن حضرت را میپذیرد و برای آغاز حساب وکتاب دستور میدهد در آن وقت هر شخصی آنچه که در دنیا فرستاده است می بیند، تمام اعمال که انجام داده، خواه کوچک باشد و یا بزرگ همه در جلوش مجسم و آشکار می‌گردد، و هیچ چیزی از آن اعمال بر خداوند پوشیده نشده و نخواهد شد.

درس هشتم

عنوان: جنت

صفحه - ۱۵

وقت - دو ساعت درسی

اهداف- شاگردان باید:

- بدانند که جنت حق است.
- بفهمند که بهشت جای دائمی برای مؤمنان است.
- برای اثبات جنت دلائل بیان کنند.

دانش لازمی

مؤمنان از کفار جدا میشوند

پیامبر اسلام دراین مورد میفرماید: در صحرای محشر از جانب خدا، اعلام می‌شود: آنهایی که در دنیا، چیزی یا کسی را بجز خدا پرستیدند، کنار یکدیگر بایستند، چنانکه مشرکین و بت پرستان و آنهائی که عزیر و مسیح و دیگران را پرستش کرده اند، همه یکجا جمع می‌شوند و نهایتاً از آنجا رهسپار دوزخ می گردند، و خداپرستان که در میان آنها نیکو کار و بدکار وجود دارد، در ناحیه ای دیگر و در کنار هم می‌ایستند. آنگاه روی دوزخ، پلی نصب می‌گردد و به اهل شفاعت، اجازه شفاعت داده می‌شود، آنها در کنار پل قرار میگیرند و می‌گویند: پروردگارا! نجاتشان بده، پروردگارا! نجاتشان بده.

بهشت و وفور نعمت‌های الهی در آن

خداوند متعال در جا جای قرآن کریم بهشت را محور و مرکز نعمتهای جاویدانه و ماندگار خویش معرفی کرده وحتی در یکی از آیات میفرماید که تصوری از چگونگی نعمته‌های الهی در بهشت از قدرت و توان انسان فراتر است و چیزهای در بهشت برای بهشتیان آماده شده است تا حال در قلب انسان خطور نه کرده و قابل تصور برای بشر نیست در این باره پیامبر اسلام فرمودند: (فِيهَا مَا لاَ عَيْنٌ رَأَتْ وَلاَ أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلاَ خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ) یعنی در بهشت نعمتهای است که نه چشمی آنرا مشاهده کرده، و نه گوشی در باره آن شنیده، و نه بر قلب بشری خطور کرده است. ما دراین جا به برخی این نعمته‌ها اشاره میکنیم:

۱- به اهل آن زیورات پوشانده می‌شوند از قبیل دستبندهایی از طلا و لؤلؤ و لباس ایشان در بهشت حریر و ابریشم است.

۲-	و این که در آن جویهای از آب، شیر، شراب ،عسل جریان دارد.
۳-	و اینکه در آن حورالعین و نوجوانانی خدمت گار بهشتیان اند. حورالعین یعنی زنان بهشت که بسیار خوب صورت، دلربا، دارای چشمانی بزرگ و سیاه میباشند.
نیز قابل ذکراست که شیر ،شراب وعسل بهشت مانند شیر و شراب و عسل این دنیا نیست ،ولی چون عقل و علم بشر محدود است خداوند بعضی از خوراک و نوشیدنی‌های آخرت را به خوراک و نوشیدنی‌های دنیا تشبیه کرده است.
۴-	و اینکه انواع از میوه‌ها در اختیار و خدمت بهشتیان قرار میگیرد و آنها بدون کدام قید و بند و ممانعتی از آن استفاده میکنند.
۵-	و در رأس تمام نعمتهای بهشت دیدار پروردگار است که برای بهشتیان نصیب میگردد و چقدر خوش نصیب شخصی است که دیدار الله متعال برای او میسر گردد.

اوصاف بهشت در پرتو آیات قرآنی و احادیث نبوی

خداوند بزرگ همان طوریکه برای جنتیان و مؤمنان درآن جا نعمت‌های فراوانی را تهیئه و آماده کرده است، همین گونه برای جنت مواصفات و ویژگیهای را نیز بیان فرموده است مانند:

وسعت بهشت مانند وسعت آسمان‌ها و زمین است

خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿**سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ**﴾ [الحدید: ۲۱]. یعنی بشتابید بسوی آمرزش از پروردگارتان و بهشتی که وسعت و فراخی آن چون فراخی و وسعت آسمان و زمین است.

جنت جای زندگی جاویدانه و ماندگار برای مؤمنان

خداوند میفرماید:﴿**خَالِدِينَ فِيهَا لا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلاً**﴾ [الکهف: ۱۰۸]. یعنی آنها جاویدان در بهشت هستند و نخواهند که از آنجا بیرون شوند.
مواصفات دیگری نیز در قرآن کریم برای جنت بیان شده است مانند:
دارالسلام یعنی خانه سلامتی. -
-**دَارُ الرِّضَا** یعنی خانه رضایت و خوشنودی.
-**دَارُ المقَام** یعنی جای بود و باش و زندگی.
-**فوز عظیم** یعنی پیروزی بزرگ.

درس نهم

عنوان: دوزخ

صفحه - ۱۷

وقت - دوساعت درسی

اهداف- شاگردان باید:

- بدانند که ایمان به دوزخ فرض است.
- درک کنند که کفار دائماً در دوزخ میباشند و مؤمنان مؤقتاً.
- در بارهٔ دوزخ معلومات ارائه کرده بتوانند.

دانش لازمی

دوزخ چیست؟

دوزخ نامی برای آن مکانی است که الله تعالی آن را برای کافران، منافقان و کسانی که از دستورات و فرامین او تعالی روی گردان شدند و برعکس در برابر پیامبران و دعوت و اصلاح گران الهی سنگر گرفتند، تدارک دیده است تا در روزگار بعدی در آن به کیفر و جزای اعمال بد و ناروای خویش برسند.

دوزخیان رسوا وذلیل خواهند بود

کسانی که وارد دوزخ شوند در حقیقت به پرتگاه رسوای و خطرناکی رو به رو شده اند چناچه الله تعالی در این باره میفرماید:﴿**رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدخِلِ ٱلنَّارَ فَقَد أَخزَيتَهُۥۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن أَنصَار** ﴾ یعنی پروردگارا! بی‌گمان تو هرکس را به آتش اندازی، خوار و زبونش می‌کنی و ستمکاران را یاوری نیست.

و در جای دیگر چنین میفرماید:﴿**أَلَم يَعلَمُوٓاْ أَنَّهُۥ مَن يُحَادِدِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَأَنَّ لَهُۥ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدا فِيهَا ذَٰلِكَ ٱلخِزيُ ٱلعَظِيمُ** ﴾ [التوبه: ۶۳]. یعنی آیا نمی‌دانستندکه هرکس با الله و فرستاده‌اش دشمنی کند، سزای او آتش دوزخ است و جاودانه در آن میماند؟ این رسوایی و خواری بزرگی است.

دوزخ و وسعت آن

دوزخ دارای وسعت و گستردگی ناقابل تصور بوده وگوشه و کنار از یکدیگر بسیار دور میباشد، و دلایلی نیز بر این مدعی دلالت دارد مانند این که افرادی که وارد دوزخ میشوند تعداد شان بسیار زیاد است.

۱- اشخاصیکه به دوزخ میروند جسمهای شان بسیار بزرگ میشود که جسم هر دوزخی به حدی بزرگ میگردد تنها دندان یکی از آنها به اندازهٔ کوه احد و فاصله میان دو شانهٔ آن‌ها برابر مسافت سه روز

می‌باشد. ولی با اینهمه درآن جای میشوند؛ قسمیکه الله تعالی میفرماید:﴿يَوۡمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ ٱمۡتَلَأۡتِ وَتَقُولُ هَلۡ مِن مَّزِيدٖ﴾ [ق: ٣٠]. یعنی روزیکه به دوزخ می‌گوییم: آیا پر شدی؟ و دوزخ می‌گوید: افزون بر این هم هست؟!.

۲- واینکه اگر سنگی در آن انداخته شود، زمان زیادی طول می‌کشد تا به قعر آن برسد: از ابوهریره روایت شده است که‌می‌فرماید: همراه پیامبراسلام بودیم که ناگهان رسول الله‌ﷺ صدای افتادن چیزی را شنید، آن‌گاه فرمود: (أتدرونَ ما هذا؟) یعنی آیا می‌دانید که این صدای چیست؟ گفتند: الله و رسولش بهتر می‌دانند، رسول اللهﷺ فرمودند: (هَذَا حَجَرٌ رُمِيَ بِهِ فِي النَّارِ مُنْذُ سَبْعِينَ خَرِيفًا فَهُوَ يَهْوِي فِي النَّارِ الآنَ حَتَّى انْتَهَى إِلَى قَعْرِهَا) یعنی این سنگی است که هفتاد سال پیش در دوزخ انداخته شد و هنوز هم به طرف قعر دوزخ در حال سقوط است.

۳- در روز رستاخیز دوزخ دارای هفتاد هزار لگام میباشد

در حدیثی پیامبر اسلامﷺ میفرمایند: دوزخ در روز قیامت در حالی آورده میشود که هفتاد هزار لگام و مهار داشته و فرشتگان آن را میشکَند، چناچه آنحضرت میگوید: (يُؤْتَى بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ زِمَامٍ مَعَ كُلِّ زِمَامٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَجُرُّونَهَا) یعنی در آن روز دوزخ را می‌آورند، در حالیکه هفتاد هزار مهار دارد و بر هر مهار هفتاد هزار فرشته است که آن‌را می‌کَشند.

أسامی دوزخ در قرآن کریم

خداوند بزرگ برای دوزخ نامهای را درقرآن کریم بیان کرده است که ما به برخی آنها درذیل اشاره میکنیم:

- الهَاوِيَه: یعنی جای عمیق.
- السَعِير: یعنی آتش افروخته شده.
- الجَحِيم: یعنی آتش بزرگ و عظیم.
- سَقَر:یعنی وادی نهایت گرم در دوزخ.
- الحُطَمَهٔ: یعنی درهم کوبنده.
- لَظَی: یعنی افروخته شده.
- جَهُنّم: یعنی دوزخ، جای بسیار گرم.

درس دهم

عنوان: آب(۱)

صفحه - ۱۹

وقت - یک ساعت درسی(۴۵ دقیقه)

اهداف- شاگردان باید:

- متن درس را درست خوانده بتوانند.
- انواع آب را بشناسند.
- به اهمیت آب پی ببرند.
- در هنگام استفاده از آب از اسراف کار نگیرند.

دانش لازمی

اهمیت آب

آب ماده مورد نیاز موجودات زنده است، آب از منابع مهم محیط زیست است و در زندگی و سلامت همه موجودات زنده اعم از انسانها، گیاهان و جانوران به وجود آب بستگی دارد.

در قرآن کریم، حدیث و فقه و به طور کلی در متون اسلامی آب از اهمیت فراوان برخوردار است که به چند متن آن اشاره می‌نمائیم:

الله جل جلاله می‌فرماید: ﴿**وَجَعَلنَا مِنَ المَاءِ کُلَّ شَيءٍ حَیّ**﴾ [الانبیاء:۳۰]. **ترجمه:** و هر چیز زنده را از آب پدید آوریدیم.

درجای دیگر می‌فرماید: ﴿**وَاللّٰه خَلَقَ کُلَّ دَابَّة من مَّاء**﴾ [النور:۴۵]. **ترجمه:** الله هر جنبندۀ را از آب آفرید.

و نیز می‌فرماید: ﴿**وَهُو الذی خَلَقَ من الماء بَشَرا**﴾ [فرقان:۵۴]. **ترجمه:** و اوست که انسان را از آب آفرید.

اجتناب از اسراف

آب نعمت بزرگ الهی و مایه رفاه و آسایش بشر است. الله جل جلاله زندگی همه زنده جانها را در گرو آب قرار داده است، پس باید سپاس گزار این نعمت بزرگ الهی باشیم و در هنگام استعمال از آب نباید از اسراف کار گرفت. الله جل جلاله نیز ما را از اسراف منع فرموده است چنانچه در این آیه مبارکه می‌فرماید:﴿**یا بَنی آدَم خُذُوا زِینَتَکُم عِندَ کُلِّ مَسجِدٍ وَکُلُوا وَاشرَبُوا وَ لَا تُسرِفُوا إِنَّه لَا یحِبُّ المُسرِفین** ﴾ [الاعراف: ۳۱]. ترجمه: ای فرزند آدم هنگام حضور در هر نماز زینت خود را بگیرید یعنی لباس به تن کنید،

بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که الله اسراف کاران را دوست ندارد. ﴿**إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخوان الشياطين**﴾[اسراء:۲۷]. ترجمه: و همانا اسراف کاران برادران شیاطین اند.

می‌دانیم که طهارت اساس عبادت است، پس نماز درست نیست مگر با طهارت و طهارت بدون آب حاصل نمی‌شود.

در این مورد الله متعال می‌فرماید: ﴿**إِنَّ اللَّهَ يحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ**﴾ [البقرة: ۲۲۲]. ترجمه: خداوند جل جلاله توبه کننده گان و پاکان را دوست دارد.

همچنان در حدیث شریف به روایت احمد آمده است: {مفتاح الجنة الصلوة و مفتاح الصلوة الطهور}. کلید بهشت نماز است و کلید نماز طهارت است.

انواع آب

آب دارای انواع و اوصاف بوده که در کتاب درسی از آن یاد آوری شده است که عبارت اند از آب پاک کننده، آب مستعمل و آب ناپاک.

۱-آب پاک کننده: آن آبی است که ذاتاً پاک و نیز پاک کننده می‌باشد و بر طرف کننده حدث (اکبر و اصغر) و زداینده آلودگی و نجاست است و طهارت و پاکی با این نوع آب جواز دارد. مانند: آب باران، آب چاه ها، آب جویها، آب دریاها.

طهارت با هر آن آبی که شئ پاک با آن مخلوط شده باشد و بر آن غالب(زیاد) باشد و از طبیعت آبی بیرون شده باشد، جواز ندارد. مانند: آب سرکه، شوربا، آب زردک و امثال آن.

- طهارت با آبی که شی پاک با آن مخلوط شده باشد و از صفات آب یک صفت آنرا تغییر داده باشد، جواز دارد. مانند:

- آبی که با آن (اشنان یا خرند)[۱] مخلوط شده باشد.
- آبی که با آن صابون مخلوط شده باشد.
- آبی که با آن زعفران مخلوط شده باشد.

۲-آب مستعمل: آبی را گویند که برای رفع حدث (وضو و غسل) استعمال شده باشد. این نوع آب پاک است، ولی پاک کننده نیست به این معنی که نه می‌توان با آن رفع حدث کرد و نه نجسی را پاک ساخت، پس طهارت با این نوع آب جائز نیست.

خلاصه درس

آب نعمت بزرگ الهی است و وسیله پاکی می‌باشد و زندگی بدون آن ناممکن است سه نوع می‌باشد: آب پاک کننده، آب مستعمل و آب ناپاک.

بعد معلم محترم در مورد انواع و اوصاف آب به شاگردان معلومات لازمی را ارایه می کند.

[۱]- اشنان گیاهی است دارای شاخه های باریک و برگ های ریزه در شوره زار های میروید، این گیاه را گیاه غاسول هم می گویند.

درس یازدهم

عنوان: آب (۲)

صفحه - ۲۱

وقت - یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف- شاگردان باید:

-متن درس را درست خوانده بتوانند.

- آب ناپاک و آب پاک را از هم تفکیک کرده بتوانند.

- در پاک نگهداشتن آب تمایل بیشتر پیدا کنند و به دیگران نیز توصیه کنند.

دانش لازمی

۳-آب ناپاک

آب ناپاک آن آبی است که نجاست به آن رسیده باشد، چه اثر نجاست در آب ظاهر شده باشد، و یا هم نشده باشد. پس اگر اثر نجاست در آب ظاهر شده باشد، آن آب نجس گردیده است چه آب کم باشد یا زیاد.

آب زیاد: حوض بزرگ آب را گویند که با حرکت دادن یک طرف آب طرف دیگر آن حرکت نکند این آب حکم آب جاری را دارد. و اندازه حوض از لحاظ طول و عرض ده در ده زراع باشد، اندازه یک زراع مساوی به ۴۵ سانتی است و عمق آن حوض به اندازۀ باشد که اگر با دست آب از آن گرفته شود، زمین معلوم نشود.

آب کم: آب کم آبی است که کمتر از حدی که در فوق ذکر گردید، باشد.

آب جاری: آن آبی است که استفاده آن تکرار نمی‌شود، و اگر در آب جاری نجاست بیاختد وضو با آن جائز است به شرطی که اثری از نجاست معلوم نشود.

حکم آب ناپاک: طهارت با آن حاصل نمی‌شود، حتی اگر این آب با چیز دیگری درهم آمیخته شد، آن چیز هم نجس میگردد.

مسایل

-اگر به اثر زیاد ایستاده شدن آب رنگ، بو و ذائقه آن تغییر کند آن آب پاک بوده و طهارت با آن جائز است.

- آبیکه بر اثر ذوب شدن یخ و یا ژاله حاصل شده باشد، وضو با آن جائز است.
طهارت با آبی که از درخت‌ها و یا از میوه‌ها خارج شده باشد، جواز ندارد، فرق نمی‌کند این آب با فشردن و یا بدون فشردن خارج گردیده باشد.
-همچنان طهارت با آبی که به اثر پختن (طبع، رقت، سیالت) آن از بین رفته باشد، مانند: آب شوربا و انواع شربت ها(نوشابه ها)، جائز نیست.

خلاصه درس

آب ناپاک آن آبی است که نجاست به آن رسیده باشد و این آب هر چیز پاک را نجس می‌سازد اگر این آب زیاد باشد، یا کم طهارت با آن جائز نیست.
آب جاری و زیاد زمانی نجس می‌گردد که به اثر افتادن نجاست رنگ، ذائقه و بوی آب تغییر کرده باشد.

درس دوازدهم

عنوان: فرایض وضو

صفحه - ۲۳

وقت - یک ساعت درسی (۴۵دقیقه)

اهداف- شاگردان باید:

-بدانند که وضو شرط نماز است.

- فرایض وضو را بشناسند و به دیگران نیز انتقال دهند.

- این عقیده را پیداکنند که گناهان صغیره مسلمان با وضو کردن بخشیده می‌شوند.

دانش لازمی

وضو: وضو به عنوان یک عبادت در دستور کار مسلمین قرار گرفته و عبارت است از: شستن روی، دست ها، مسح سر و شستن پاها با شرایط خاص که باعث فلاح و کامیابی شخص مسلمان می‌گردد.

چنانچه پیامبر گرامی اسلام برکت و عظمت وضو را در ذیل شرح داده و می‌فرماید: «کسی که مطابق دستور العملی که در مورد وضو به جا گذاشته ام، بصورت درست وضو کند و بعد از آن کلمه شهادت: (أشهدُ أن لّا إلَه إلّا اللهُ وَأشهدُ أنَّ مُحَمَّدًا عَبدُه ورَسُولُه) (من گواهی میدهم که هیچ معبودی قابل فرمانبرداری نیست مگر الله، و گواهی میدهم که محمد بنده و فرستاده اوست) را بخواند، برای همچو شخص هشت دروازه بهشت باز میشود، آنگاه از هر دروازه یی که بخواهد در جنت داخل میشود (صحیح مسلم).

دلیل فرضیت وضو

وضو شرط لازمی نماز است بدون وضو نماز خواندن ناممکن است در قرآن کریم در مورد وضو نه تنها یاد آوری شده بلکه با تفصیل ذکر شده که کدام اعضای بدن در هنگام وضو گرفتن شسته شود که در آیت شریف ذیل به آن اشاره شده است:﴿**يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ** ﴾ (المائدة: ٦).

ترجمه: ای کسانیکه ایمان آورده اید، هنگامیکه برای نماز برخاستید و وضونداشتید بشوئید صورت های(روی ها) تانرا و دست‌های تانرا تا آرنج ها، و مسح کنید بر سرهایتان و بشوئید پاهایتان را تا شتالنگ ها(بجلک ها).

در آیه مبارکه فوق فرایض وضو به صراحت بیان شده که در وضو چهار چیز فرض می‌باشد در اصل مجموع همین چهار چیز را وضوء گویند.
واگر از آن چهار چیز یکی آنهم فراموش یا فروگذاشته شود و یا هم به اندازه یک سر موی در آن خشکی و یا عدم شستن رو نما گردد وضوء درست نیست.

فضیلت وضو

توسط وضوء کردن بدن مسلمان پاک و گناهان او بخشیده می‌شود. چنانچه در این مورد از عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت شده که رسول اکرم ﷺ فرموده اند: (مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ خَرَجَتْ خَطَايَاهُ مِنْ جَسَدِهِ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ تَحْتِ أَظْفَارِهِ) (رواه مسلم).
ترجمه: هر کس وضو بگیرد و در وضو گرفتن دقت کند، گناه هانش از بدنش خارج می‌شود به طوریکه گناه هانش حتی از زیر ناخنها نیز خارج می‌گردند.

خلاصه درس:

وضو شرط نماز است و ما را از گناهان صغیره و ناپاکی پاک می‌سازد و وضوء چهار فرض دارد:
-شستن روی از پیشانی(محل برآمدگی موی سر) تا زیر زنخ و از یک نرمه گوش تا نرمه گوش دیگر.
- شستن هر دو دست تا آرنجها.
- مسح کردن چهارم حصه سر.
- شستن هر دو پا تا بجلک ها(شتالنگ ها) به شمول بجلک ها.

درس سیزدهم

عنوان: سنت‌های وضو

صفحه - ۲۵

وقت - یک ساعت درسی(۴۵دقیقه)

اهداف- شاگردان باید:

- متن درس را درست خوانده بتوانند.
- سنت‌های وضوء را بشناسند.
- سنت‌های وضوء را به دیگران نیز یاد دهند.

دانش لازمی

مقصد از دوستی با پیامبر صلی الله علیه وسلم

محبت و دوست داشتن و اطاعت رسول الله ﷺ ناشی از ایمان است زیرا اگر محبت آن حضرت به دل مسلمانی نمی‌باشد ایمان آن شخص ناقص بوده، ایشان سید و سرور فرزندان آدم علیه السلام، امام جهانیان، پیشوای بنده گان الله، دعوتگر راه راست و فرستاده ای به سوی عالمیان است که الله تعالی محبت، طاعت و احترام و اداء حقوق وی صلی الله علیه وسلم را بر بندگان واجب نموده است.

وقتی ما می‌توانیم بگوئیم که ما پیامبر خود را دوست داریم که پیروی از سنت‌های آن حضرت ﷺ نمایم و تمسک به راه و روش ایشان داشته باشیم.

خداوند جل جلاله می‌فرماید: ﴿**قُل إن كُنتُم تُحِبُّونَ اللهَ فاتَّبِعُونِي يحبِبكُمُ اللهُ وَ يغفِرلَكُم ذُنُوبَكَم وَاللهُ غَفُورٌ رَحِيْم**﴾. (آل عمران: ۳۱) ترجمه: بگو (ای محمد) اگر الله را دوست دارید، مرا پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد و گناهان شما را بیامرزد، الله آمرزنده و مهربان است.

وضو و نمار که از جمله پیروی خدا و رسول است باید به روش و طریقه که الله و رسولش امر نموده اداء نمائیم. در حدیث شریف آمده است: (عَنْ حُمْرَانَ مَوْلَى عُثْمَانَ قَالَ تَوَضَّأَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ يَوْمًا وُضُوءًا حَسَنًا ثُمَّ قَالَ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْه وَسَلَّمَ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ قَالَ مَنْ تَوَضَّأَ هكَذَا ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الْمَسْجِدِ لَا يَنْهَزُهُ إِلَّا الصَّلَاةُ غُفِرَ لَهُ مَا خَلَا مِنْ ذَنْبِه) رواه مسلم.

ترجمه: از حمران غلام عثمان روایت شده که عثمان بن عفان روزی وضو را به وجه احسن گرفت و بعد فرمود: رسول الله ﷺ را دیدم که وضو را به وجه احسن انجام داد و گفت کسی که وضو را به این طریقه انجام دهد و بعد به طرف مسجد بیرون شود برای نماز، الله متعال تمام گناهانش را می‌بخشد.

پس وضو را باید طبق هدایت پیامبر صلی الله علیه وسلم انجام دهیم و آنچه که در وضوء سنت است باید به آن اهتمام و توجه صورت گیرد، گرچه با ترک و عدم انجام آنها نیز وضوء درست است، اما قصداً یا بار بار ترک کردن آن، کاریست نزدیک به گناه.

سنت‌های وضو ذیلاً ذکر می‌گردد:

جهت خوشنودی خداوند جل جلاله و اجر آخرت نیت کردن.

- آغاز نمودن وضو با گفتن (بسم الله الرحمن الرحیم) چنانچه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم نیز در این مورد می‌فرماید:(التسمیة مفتاح الوضوء و مفتاح کل شيءٍ). ترجمه: بسم الله کلید وضو و کلید هر چیز است.
- شستن هر دو دست تا بند ها.
- پاک کردن دندان‌ها توسط مسواک و اگر مسواکی موجود نبود با انگشتان خویش دندان‌های تانرا می‌توانید پاک کنید.
- سه بار آب را مضمضه کردن.
- سه بار در بینی آب انداختن(استنشاق).
- ریش خود را خلال کردن.
- خلال کردن میان انگشتان دستها و پاها.
- مسح تمام سر.
- مسح هر دو گوش ها. برای مسح گوش‌ها نیاز به دوباره تر نمودن دستان نیست، اما اگر با کلاه، دستار، دستمال و امثال آن تماس کند و دستها خشک گردند، تر نمودن دست‌ها لازمی است.
- شستن عضوء دوم قبل از خشک شدن عضوء اول.
- ترتیب در شستن اعضاء رعایت شود، به نحوی که اولاً شستن روی صورت گیرد، سپس شستن دستها، سپس مسح کردن سر، شستن پاها.
- بعد از فراغت وضو خواندن دعای مسنونه مانند: (**اللهم إني أسألک تمام الوضو و تمام الصلوة و تمام رضوانک**)[1].

یا (**اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المتطهرین**)[2]. بعد از وضو بهتر است که دو رکعت نماز خوانده شود و این نماز را (**تحیة الوضو**) گویند و دارای ثواب زیاد است.

[1]- بغية الباحث عن زوائد مسند الحارث جزء اول- ص٥٢٦.

[2]- سنن الکبری للبیهقی جزء اول – ص:٧٨.

خلاصه درس

وضو را باید مطابق سنتهای پیامبر ﷺ انجام دهیم و برخی سنت‌های وضو را ذیلا ذکر می‌نمائیم:

- نیت کردن.
- گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در آغاز وضو.
- شستن هر دو دست تا بندها.
- مضمضه.
- استنشاق
- مسح تمام سر
- سه بار شستن هر عضو.

درس چهاردهم، پانزدهم و شانزدهم

عنوان: اذان– معنی اذان

صفحه - ۲۷-۳۲

وقت - سه ساعت درسی (۱۳۵دقیقه)

اهداف- شاگردان باید:

- با معانی کلمات اذان آشنا شوند.
- به اهمیت و آداب اذان پی ببرند.
- به شنیدن و اجابت اذان تمایل بیشتر پیدا کنند.

دانش لازمی

معانی أذان: أذان در لغت اعلام و خبر دادن است در شریعت همان الفاظ و کلمات مخصوص که بعد از دخول وقت هر نماز غرض ادای نماز به جماعت به مردم آگاهی داده می‌شود.

فضیلت أذان: أذان در اسلام فضیلت زیاد دارد در احادیث متعددی در مورد فضیلت أذان یاد آوری شده است. چنانچه در این حدیث شریف آمده است: (عن معاوية رضی الله عنه قال: (سمعت النبی صلی الله علیه وسلم یقول المؤذنون اطول الناس اعناقا یوم القیامة) مسلم. ترجمه: موذنین در روز قیامت با گردن‌های بلند ظاهر می‌شوند. یعنی در آن روز با شأن و مقام امتیازی مورد لطف قرار میگیرند.

در جای دیگر می‌فرماید: «بر مقامی که در آن أذان داده می‌شود، رحمت خداوند جل جلاله نازل گردیده، آن مقام از عذاب و آفات محفوظ می‌ماند»[1].

نخستین مؤذن حضرت بلال رضی الله تعالی عنه بود و پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد او می‌فرماید:« بلال از سابقان و پیشی گیرندگان در اسلام است»[2].

حکم أذان: نماز از جمله شعایر دین است، أذان برای نمازهای پنجگانه و نماز جمعه سنت مؤکد است و أذان دادن برای نمازهای فوتی جائز است.

آداب أذان

- مؤذن باید مرد باشد، أذان زن صحیح نیست، و اگر زنی أذان بدهد باید أذان اعاده گردد.

---

[1]- طبرانی

[2]- ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۳۲

- مؤذن باید شخصی باشد که از مسائل شریعت واقف باشد، شخص نیک و پرهیزگار باشد.
- مؤذن باید عاقل باشد، أذان دادن شخص دیوانه و مدهوش مکروه است، و همچنان أذان طفلی که به سن تمییز نرسیده باشد نیز مکروه است.
- أذان باید در جای بلند رو به قبله داده شود.
- أذان در حالت ایستاده اداء شود، در حالت نشسته أذان دادن مکروه است.
- هنگام أذان دادن نهادن انگشتان شهادت در سوراخهای گوش مستحب است.
- الفاظ أذان به تأمل گفتن سنت است زیرا اگر میان جملات أذان فاصله مراعات نگردد شنونده جملات أذان را تکرار نتوانسته و به آن جواب گفته نمی‌تواند.
- در هنگام گفتن (حی علی الصلوة) روی خود را به طرف راست و در وقت گفتن(حی علی الفلاح) روی خود را به طرف چپ دور دادن سنت است. اما متوجه باید بود که جهت سینه و پاها از قبله بر نگردد.

اجابت أذان

- هر مسلمانی که صدای أذان را می‌شنود، دادن جواب أذان بر او واجب می‌گردد. یعنی الفاظی را که از مؤذن می‌شنود عین همان جملات را تکرار نماید اما در جواب (حیَّ عل الصلاة) و (حیَّ علی الفلاح) باید (لاحول ولا قوة إلا بالله) بگوید.
- ارشاد حضرت نبی کریم صلی الله علیه وسلم است:
- «آنگاهی که مؤذن (الله اکبر الله اکبر) بگوید شما نیز در جوابش (الله اکبر الله اکبر) بگوئید.
- چون مؤذن (أشهد أن لا اله الا الله) بگوید شما نیز (أشهدأن لا اله الا الله) بگوئید و به همین ترتیب چون مؤذن (أشهد أن محمد رسول الله) بگوید شما نیز (أشهد أن محمد رسول الله) بگوئید و چون مؤذن (حی علی الصلاۀ) بگوید شما در جوابش(لا حول و لا قوۀ إلا بالله) بگوئید، وقتیکه مؤذن(حی علی الفلاح) بگوید شما در جوابش (لا حول ولا قوة إلا بالله) بگوئید، بعد با شنیدن (الله اکبر الله اکبرلا اله الا الله) شما نیز عین همین کلمات را تکرار نمائید و اگر کسی در جواب أذان کلمات فوق الذکر را با حضور قلب تکرار نماید در بهشت داخل می‌شود. {رواه مسلم}.

خلاصه درس

أذان بعد از دخول وقت هر نماز غرض ادای نماز گفته می‌شود. أذان دهنده را مؤذن می‌گویند و نخستین مؤذن حضرت بلال رضی الله تعالی عنه بودند. أذان گفتن برای نمازهای پنجگانه و نماز جمعه سنت مؤکد است.

درس هفدهم

عنوان: اقامت

صفحه - ۳۳

وقت - یک ساعت درسی (۴۵دقیقه)

اهداف- شاگردان باید:

- متن درس را درست خوانده بتوانند.
- اقامت و حکم آنرا بشناسند.
- اقامت و أذان را از هم تفکیک کرده بتوانند.

دانش لازمی

اقامت: اقامت به معانی ایستاده شدن بوده و در اصطلاح: الفاظ و کلمات أذان را که در شروع نماز با جماعت، به منظور اطلاع از آغاز شدن نماز با جماعت را اقامت گویند.

الفاظ اقامت: الفاظ اقامت که در کتاب درسی ذکر شده، مانند الفاظ أذان است که بر علاوه تکرار همه کلمات أذان بعد از گفتن (حی علی الفلاح) «قد قامت الصلاة» (بدون شک که نماز بر پاشد) گفته می‌شود.

حکم اقامت: قبل از شروع نماز فرض، گفتن اقامت سنت است.

طریقه اقامت گفتن عیناً مانند أذان گفتن بوده با این تفاوت:

۱- اقامت در داخل صف گفته می‌شود.

۲- اقامت باید با آواز نسبتاً (آهسته) گفته شود.

۳- در هنگام گفتن اقامت در گوش‌ها انگشت‌ها را داخل ننماید.

٤- هنگام گفتن (حی علی الصلوة) روی خود را به طرف راست و چپ دور ندهد.

٥- در اقامت بعد از گفتن(حی علی الفلاح) دو مرتبه «قد قامت الصلوة» بگوید.

٦- اقامت به سرعت خوانده می‌شود اما أذان به آرامی خوانده می‌شود.

٧- اقامت گفتن برای نمازهای فرض، با جماعت خواه ادائی باشد یا قضائی، سنت است.

درس هجدهم – نزدهم

عنوان: دعای أذان – معانی دعای أذان

صفحه - ۳۵ – ۳۸

وقت - دو ساعت درسی (۹۰دقیقه)

اهداف- شاگردان باید:

- درس جدید را به درستی خوانده بتوانند.
- با دعای أذان و معنای أذان آشنا شوند.
- بعد از شنیدن أذان به خواندن دعای أذان علاقمند شوند.

معلومات اضافی

فضیلت دعا بعد از أذان

بعد از شنیدن و اجابت أذان باید دعا أذان نیز خوانده شود، که در کتاب درسی دعای أذان ذکر شده است.
از حضرت جابر رضی الله تعالی عنه روایت شده که حضرت محمد صلی الله علیه وسلم فرموده اند:
«کسی که بعد از شنیدن أذان دعای ذیل را بخواند مستحق شفاعتم می‌شود».
«اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلاة القائمة آت محمدا الوسیلة والفضیلة وابعثه المقاما محمود الذی وعدته» [1]
(رواه البخاری) ترجمه: الها! ای مالک این دعوت کامل بر پاکنندۀ نماز، محمد صل الله علیه وسلم را «وسیلة» و «فضیلت» عطا فرما! و بر مقام محمودش که وعده فرموده اید فائز گردان.

- مراد از «الدعوة التامة» همین دعوتیست که روزانه پنج بار از فراز هر مسجد بلند میگردد، و تا روز قیامت بلند خواهد شد.
- و منظور از«الوسیلة» مقام قرب الهیست، در بهشت که فقط به محمدﷺ اعطاء می‌گردد.
- چنانچه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم فرموده است:
- «هرگاه کسی از شما أذان را بشنود، باید آنرا بدنبال مؤذن تکرار نموده، بر من درود بفرستد، از الله جل جلاله وسیله را بخواهید، که وسیله مقامیست در بهشت برای بنده خاص پروردگار، و من امید وارم که آن بنده خاص من باشم.
- و هر کسی که در دعایش از خدا «الوسیلة» را بخواهد شفاعتم در حقش واجب می‌گردد.

---

[1]– رواه بخاری

- «والفضيلة» نیز مقام مخصوص قرب الهیست که نصیب پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم خواهد شد.
- «المقام المحمود» مقامیست که الله متعال خاص به پیامبر صلی الله علیه وسلم در کتاب خود وعده فرموده است، چنانچه در این آیه مبارکه می‌فرماید: ﴿ **عَسَى أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا** ﴾[1]. (بنی اسرائیل:۷۹)

ترجمه: زود است که پروردگارت ترا به مقام محمود فائز گرداند.

[1]- بنی اسرائیل: ۷۹

درس بیستم

عنوان: تکبیر تحریمه

صفحه – ۳۹

وقت – یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف– شاگردان باید:

- متن درس را درست خوانده بتوانند.
- تکبیر تحریمه و حکم آنرا بشناسند.
- بدانند که تکبیر تحریمه چه وقت گفته می‌شود.

دانش لازمی

ارکان نماز: ارکان جمع رکن و رکن آن چیزی که در حقیقت شئ داخل بوده و لزوم آن به دلیلی قطعی ثابت شده است و محل شک در آن نباشد.

نماز یکی از ارکان مهم دین اسلام است که در آیات و احادیث متعددی برای برپا داشتن این فریضه الهی تأکید شده است، چنانچه پیامبر ﷺ فرموده است: «نماز ستون دین است هر که این ستون را بر پا دارد همانا دین را بر پا داشته و هر که آنرا ترک نماید همانا دین را از بین برده است». بنا بر این لازم است برای ادای این فریضه الهی توجه زیاد نماییم.

منظور از ارکان نماز: آنچه اداء و رعایت آن در داخل نماز فرض باشد، بنام ارکان نماز یاد می‌گردد.

پس نماز هفت رکن دارد: تکبیر تحریمه، قیام (ایستادن)، قرائت، رکوع، سجده، قعده اخیر و با فعل اختیاری نماز را اختتام بخشیدن. اگر شخصی مسلمان رکنی از ارکان نماز را به جا نیاورد، عمداً باشد یا اشتباهاً نماز باطل می‌گردد.

تکبیر تحریمه: تکبیر به معنای بزرگ شمردن و الله اکبر گفتن است. این تکبیر را تکبیر افتتاح نیز گویند زیرا با گفتن این تکبیر نماز آغاز می‌شود.

در آغاز نماز گفتن (الله اکبر) یا کلمات(الله اعظم)، (الله اعلی) و کلمات و امثال آن که عظمت و بزرگی پروردگار را اظهار نماید و مفاهیم دیگری مانند دعا و استغفار را نداشته باشد تکبیر تحریمه گفته می‌شود.

وجه تسمیه تکبیر تحریمه: چون با گفتن این تکبیر همه اموری که خارج از نماز حلال بوده، مانند: راه رفتن، قدم زدن، خوردن، نوشیدن، گفتگو کردن... حرام می‌گردند، بناء تکبیر تحریمه می‌گویند.

حکم تکبیر تحریمه: به نظر بعضی علماء تکبیر تحریمه شامل فرایض داخلی و به نظر بعضی علماء شامل فرایض خارجی نماز می‌باشد.

مسائل مربوط به تکبیر تحریمه

- نماز گزار مرد پس از نیت گفتن، دو دست خود را تا نرمه گوش‌ها و نماز گزار زن تا شانه بالا برده و در همان حال باید بگوید(الله اکبر).
- باید توجه داشت که هنگام بالا بردن دستها، کف دستها رو به قبله باشد.
- اما بردن دستها بالاتر گوش‌ها عملی است مکروه.
- در هنگام گفتن تکبیر تحریمه و بالا بردن دست‌ها باید انگشتان دست‌ها با هم چسپیده باشند.

درس بیست و یکم

عنوان: معانی ثنا

صفحه - ۴۱

وقت - یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف- شاگردان باید:

- متن درس را درست خوانده بتوانند.
- در نماز خواندن ثناء را درست خوانده بتوانند.
- معنی و حکم ثنا را بشناسند.

دانش لازمی

ثنا: ثنا اسم مصدر است به معنای مدح و ستایش، سپاس و شکر می‌باشد و جمع آن اثنیه است. ثنا در نماز بعد از نیت و تکبیر تحریمه خوانده می‌شود و حکم آن سنت است. همچنان خواندن دعای ذیل نیز در احادیث ثابت شده است:

﴿أَقُولُ اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَاىَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنْ خَطَايَاىَ كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبُ الأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنْ خَطَايَاىَ بِالثَّلْجِ وَالْمَاءِ وَالْبَرَدِ ﴾. (بخاری)

ترجمه: پروردگارا! بین من و گناهانم به اندازه دوری میان مشرق و مغرب ایجاد کن. پروردگارا! مرا آنچنان از گناهان پاک گردان، طوریکه لباس سفید از کثافت و لکه پاک می‌گردد. الهی ! گناهانم را با آب، برف و با ژاله بشوی.

و نزد امام ابو یوسف خواندن دعای ذیل مستحب است:

﴿إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنْ الْمُشْرِكِينَ ۞ قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۞ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ﴾ (الأنعام:١٦٢-١٦٣).

ترجمه: من روی خود را به سوی ذاتی گردانیده ام که آسمانها و زمین را آفریده و من در دین خود ثابت قدمم(موحدم)و ازجمله مشرکان نیستم. هر آئینه نمازم و قربانی ام، زنده گی ام مرگم همه برای الله متعال است که شریک ندارد، و به همین دستور یافته ام، ومن از نخستین مسلمانانم.

حکم ثنا خواندن در نماز: خواندن ثنا در نماز سنت است و معنی این دعا در کتاب درسی ذکر شده است.

درس بیست و دوم

عنوان: تعوذ و تسمیه

صفحه - ۴۳

وقت - یک ساعت درسی

اهداف- شاگردان باید:

- تعوذ و تسمیه را بشناسند.
- تعوذ و تسمیه را معنی کرده بتوانند.
- حکم خواندن تعوذ و تسمیه را در نماز درک کنند.

دانش لازمی

تعوذ: اعوذ باالله من الشیطن الرجیم گفتن که آنرا استعاذه نیز گویند، استعاذه مصدر باب استفعال و از ریشه «ع‍ـو‍ـذ» به معنای پناه بردن، درخواست کمک و چنگ زدن است.

استعاذه به معنای پناه گرفتن است. و در اصطلاح دینی پناه گرفتن از شرّ ابلیس و خواهش‌های نفسانی است. و رجوع به حقّ از غیر حقّ است و نتیجه اش حصول قرب به خداوند متعال است و این پناه بردن به خدا نباید محدود به لفظ و سخن باشد بلکه در اعماق و روح و جان نفوذ کند.

استعاذه در حقیقت مقاومت در برابر وسواس شیاطین جنی و انسی و هوای نفس است.

تسمیه: یعنی (بسم الله الرحمن الرحیم) گفتن در نماز و در ابتدای تمام عبادت‌ها و اعمال نیک و شرعی.

حکم استعاذه: خواندن استعاذه در ابتدای سوره‌ها یا در هنگام خواندن جزئی از سوره‌ها مستحب است و حتی برخی از علما گفته اند خواندن آن واجب است زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿**فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّه مِنَ الشَّيطَانِ الرَّجِيم**﴾ [النحل:۹۸].

یعنی: هنگامی که قرآن می‌خوانی، از شرّ شیطان مطرود، به خدا پناه بر!

در روایتی آمده است: اولین چیزی که جبرئیل علیه السلام در مورد قرآن به پیامبر اکرم ﷺ گفت: «ای محمد! بگو "استعذ بالسمیع العلیم من الشیطن الرجیم " سپس گفت: بگو"بسم الله الرحمن الرحیم اقرأ باسم ربک الذی...

قال رسول الله ﷺ:(كان جبرئيل إذا جاءنی بالوحی أوَّلُ ماُ یلقی علیَّ بسم الله الرحمن الرحیم) [1]. رسول ﷺ فرمودند: وقتی جبرئیل با وحی به نزدم می‌آمد نخستین چیزی که به من القا می‌کرد بسم الله الرحمن الرحیم بود.

فضیلت تسمیه: در حدیثی شریف آمده است: (قال رسول ﷺ: «إذا قال العبد بسم الله الرحمن الرحیم قال الله جل جلاله بداء عبد باسمی و حقُ علّی أن أتمم لُه أمورّه و ابارک له فی احواله»)۲.

ترجمه: هرگاه بندهٔ بسم الله الرحمن الرحیم بگوید، الله جل جلاله می‌فرماید: بنده ام کارش را به نام من آغاز کرد بر من لازم است تا کارش را به پایان برسانم و برای او در کار هایش برکت قرار دهم.

حکم تعوذ درنماز: خواندن تعوذ در نماز بعد از ثنا گفتن سنت است.

تعوذ و تسمیه در نماز چی وقت گفته شود؟ زمانیکه نماز گزار ثنا را خواند، بعد به خداوند جل جلاله پناه می‌برد از شر شیطان رانده شده یعنی(اعوذ بالله من الشیطن الرجیم) را بخواند و سپس (بسم الله الرحمن الرحیم) را بخواند.

حکم تسمیه در نماز: در نماز تسمیه گفتن سنت است.

تسمیه در ابتدای سوره‌های قرآن کریم: همهٔ قراء هفتگانه اجماع دارند بر اینکه هنگام تلاوت تمامی سوره‌ها ابتدا با بسم الله الرحمن الرحیم شروع می‌شوند بجز سوره ی توبه، همچنین (بسم الله الرحمن الرحیم) برای جدایی بین سوره‌ها است، بنابراین مستحب (واجب) است هرگاه سوره ای بپایان رسید و قاری خواست سورهٔ بعد را تلاوت کند، قبل از شروع سورهٔ بعدی (بسم الله الرحمن الرحیم) بگوید.

[1] ـ سنن الدار قطنی، ج:۱، ص۳۰٤

[2] ـ عیون الاخبار، ج۲ ،ص ۲٦۹

درس بیست و سوم – بیست و چهارم

عنوان: معنای تسمیع و تحمید – تسبیحات

صفحه - ۴۵ – ۴۸

وقت - دو ساعت درسی (۹۰ دقیقه)

اهداف- شاگردان باید:

- با تسمیع، تحمید و تسبیحات نماز آشنا شوند.
- معنی و حکم تسمیع، تحمید و تسبیحات در نماز را بدانند.
- در نماز تسمیع، تحمید و تسبیحات را عملاً بخوانند.
- بدین عقیده راسخ پیدا کنند که در نماز تسبیحات به بسیار تأمل و تعمق خوانده می‌شود.

دانش لازمی

تسمیع: یعنی «سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَهُ» گفتن در نماز.

تحمید: مصدر (حَمَّدَ–یحمّد–تحمیداً) بوده و معنای آن (أی شکر الله) یعنی شکر خدا را به جا آوردن. در نماز «ربنا لک الحمد» گفتن را گویند.

تسبیحات: جمع تسبیح، در لغت به معنی خدا را به پاکی یاد کردن، او را از هر گونه بدی و هر آنچه شایسته او نیست، دور و مبرأ دانستن (تنزیه) است و به معنای ذکر و نماز نیز آمده است. لفظ تسبیح در قرآن کریم دو بار در حالت مضاف: ﴿**تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلاَّ يُسَبِّحُ بِحَمْدَهِ وَلَكِن لاَّ تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا**﴾(الاسراء:٤٤)

ترجمه: هفت آسمان و زمین و هر چه در آنهاست تسبیحش می‌کنند و هیچ موجودی نیست جزء آنکه او را به پاکی می‌ستاید، ولی شما ذکر تسبیح شان را نمی فهمید او بردبار و آمرزنده است.

﴿**الَم تَر أَنَّ اللهُ يسَبِّح لُه مَن فِي السَّمَاواتِ وَالارضِ وَالطَّير صَافَّات كُلٌ قَد عَلِم صَلاتُه و تسبِيحَهُ واللهُ عَلِيْم بما يفعَلُونَ**﴾. (انور:٤١) و کلمه‌های هم ریشه با آن (نود) بار به کار رفته است. پنج سوره مدنی حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن و دو سوره مکی اسراء و اعلی با واژه‌های هم ریشه با تسبیح آغاز می‌شوند. به این سوره‌ها (مسبّحات) می‌گویند.

به بیان قرآن کریم چیزی نیست که به تسبیح الله متعال مشغول نباشند ولی آدمیان به تسبیح موجودات پی نمی برند. در قرآن بارها به تسبیح گوئی امر شده است خداوند جل جلاله، پیامبراسلام و دیگر انبیاء

علیهم السلام را به تسبیح گفتن امر نموده است: ﴿قَالَ رَبِّ اجعَل لِی آیَةً قَالَ آیتُکَ أَلَّا تُکَلِّم النَّاسَ ثَلاثَةَ أَیامٍ إِلَّا رمزًا وَاذکُر رَبَّکَ کَثیرًا وَ سَبِّح بِالعَشِیِّ وَالإِبکارِ﴾ (آل عمران:۴۱).

ترجمه: گفت: ای پروردگامن، برای من نشانهٔ پدیدارکن، خداوند متعال برایش گفت: نشان تو این است که سه روز با مردم سخن نگویی مگر به اشاره و پروردگارت را فراوان یاد کنی و در شبانگاه و بامداد او را ستایش کنی. و یا هم در جای دیگر می‌فرماید: ﴿فَسَبِّح بِحَمدِ رَبِّکَ وَ کُن مِنَ السَاجِدِینَ﴾ (الحجر:۹۸).

ترجمه: به ستایش پروردگارت تسبیح کن و از سجده‌کنندگان باش.

محل تسمیع،تحمید و تسبیحات در نماز

زمانیکه نماز گزار بعد از ختم قرائت (الله اکبر) بگوید و به رکوع می‌رود، در رکوع دست‌ها را به زانو طوری گشاده می‌نهند (با انگشتان زانو را محکم می‌گیرد) و هردو دست از شانه تا زانو مستقیم می‌باشند، و باید توجه کرد که سر، شانه و کمر در یک خط افقی قرار گیرند، که یکی از آنها نسبت به دیگرش پائین یا بالا نباشد. در حال رکوع با اطمینان خاطر و تمرکز فکری تسبیح ذیل را کم از کم سه بار باید بخوانیم.

تسبیح رکوع: سُبحَانَ رَبِّیَ العَظِیم پاک و برتر است پروردگار با عظمت ام، و این تسبیحات بیشتر از سه بار، پنج بار، هفت بار، نه بارو بیشتر از آن نیز خوانده می‌شود به شرطیکه طاق باشد.

بیشتر تسبیح گفتن در رکوع و سجده زمانی بهتر است که شما نماز را به تنهایی اداء می‌کنید ولی در صورتی که شما امامت می‌نمودید نباید زیاد تسبیح بگویید، زیرا بر امام لازم است تا مقتدیان را خسته و پریشان نسازند.

حکم تسبیح رکوع: در رکوع سه بار تسبیح گفتن سنت است.

تسمیع و تحمید: نماز گزار بعد از رکوع (سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَهُ) گفته مستقیما با سکون و آرامش ایستاده می‌شود در این حالت دستها را رها می‌گذارد و میگوید(رَبَّنا وَ لَکَ الحمدُ) ای پردردگارم همه، وصفها و تعریف‌ها زیبندهء شأن توست، همچنان سنت است بعد از (رَبَّنا وَ لَکَ الحمدُ) حمداً کثیراً طیباً مبارکاً فیه را بخواند.

- اگر شما مقتدی بودید، چون امام(سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَهُ) گفت، شما بگویید(ربنا ولک الحمد) و اگر تنها نماز را اداء می‌کردید، هر دوی آن (تسمیع و تحمید) را بخوانید.

حکم تسمیع و تحمید: در قومه تسمیع و تحمید گفتن سنت است.

تسبیح سجده: بعد از قومه تکبیر (الله اکبر) گفته به سجده می‌رویم. سجده طوری اداء می‌شود که اولا دو زانوی خود را بر زمین می‌نهیم بعد کف دست خود را برزمین می‌گذاریم، سپس بینی و بعد پیشانی خود را روی زمین می‌گزاریم طوریکه روی میان دو کف دست قرار گیرد و انگشت بزرگ مقابل گوش واقع شود و رُخ همه انگشتان به طرف قبله بوده ساعد و آرنج از زمین بالا باشد، ساعد و آرنج از پهلوها و

شکم دور گرفته شوند و نیز رانها از شکم جدا(دور) باشند. در سجده کم از کم باید سه بار با تأمل، سکون و تعمق (سُبْحَانَ رَبِّی الْأَعلی) «پاک و برتر است پروردگار بلند مرتبه ام» گفته شود.

- بر علاوه این تسبیح، تسبیحات ذیل نیز مسنون است:

(سبحانک اللهم و بحمدک اللهم اغفرلی) (سبوح، قدوسٌ، رب الملائکة والروح)

سجده زن ها: شکم شان با پاهای شان چسپیده باشد.

بازوهای شان در دو بغل شان چسپیده باشد.

پاهای شان مانند مردها ایستاده نبوده باید هر دو پای شان خوابیده باشند.

حکم تسبیح سجده: در سجده کم از کم سه بار تسبیح گفتن سنت است.

درس بیست و پنجم

عنوان: سلام

صفحه - ۴۹

وقت - یک ساعت درسی

اهداف- شاگردان باید:

- در نماز با طریقه سلام و حکم آن آشنا شوند.
- در نمازمعنای کلمات سلام را یاد گیرند.
- به حکم سلام دادن و جواب آن در جامعه پی ببرند.
- درک کنند که سلام دادن در بین خود سلامتی را به بار می‌آورد.

دانش لازمی

- **سلام:** سلام به معنای سلامتی، صلح، صفا، آرامش و امن می‌باشد. در لغت به معنای سلامت از هر گونه نقص و عیب و فنا است و چون خداوند جل جلاله فنا نا پذیر، منزه از عیب و نقص است، پس یکی از نام‌های الله متعال(سلام) است.

هر گونه اظهار محبت در آغاز ملاقات (تحیت) است، پس در اصل سلام همان تحیت از ماده حیات و به معنای دعا کردن برای سلامتی و حیات دیگران است؛ خواه این دعا به صورت «السلام علیکم» باشد یا«السلام علینا» یا «حیاک الله». بنابر این روشن ترین مصداق تحیت سلام کردن است.

سلام در قرآن و سنت: در مورد اهمیت سلام در قرآن و احادیث نیز یاد آوری شده است، واژه سلام در قرآن (چهل) بار ذکر شده است. خداوند جل جلاله خود بر بندگان برگزیده اش؛ یعنی انبیاء علیهم السلام سلام می‌فرستد و می‌فرماید: ﴿**وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرسَلِینَ**﴾(الصافات:۱۸).

- فرشتگان نیز بهشتیان را با سلام و تحیت داخل بهشت می‌کنند:﴿**ادخُلُوها بِسَلامٍ ذلِکَ یَومُ الخُلُود**﴾ (ق: ۳۴).
- ترجمه: گویند: در امان از هر عذابی به بهشت داخل شوید این روز، روز جاودانه {شما} است.
- رسول الله ﷺ نیز می‌فرماید: «یا أنس! سلم علی من لقیت من أمتی تکثر حسناتک، وصل فی بیتک یکثر خیر بیتک»[1]

[1]-الترغیب فی فضائل الاعمال و ثواب- ص:۵۴

ترجمه: ای انس! سلام کن بر هر کسی که ملاقات می‌کنی تا خدا بر حسنات تو بیفزاید و نماز بر پادارتا الله متعال برکات را در خانه ات بیفزاید.

حکم سلام و جواب: از دلایل اهمیت سلام کردن، وجوب جواب سلام است در شریعت.

پس حکم سلام دادن در بین خود سنت است و جواب آن واجب است.

سلام در نماز: آخرین جزء نماز که با گفتن آن، نماز پایان می‌یابد "سلام" است. نماز گزار بعد از تشهد درود و دعاء اولاً به طرف شانه راست روی خود را می‌گرداند و می‌گوید: «السلام علیکم و رحمۀ الله»"برشما سلامتی و رحمت خداوندی بادا" بعد روی خود را به طرف شانه چپ می‌گرداند و می‌گوید:« السلام علیکم و رحمۀ الله» و در عین حال تصور نماید که این سلام شامل حال همهء نمازگزاران و فرشته‌ها می‌شود. بعد از فراغت از نماز هر دعای جایزی را که می‌خواهد بخواند. در این مورد از پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم دعاها و اذکار زیادی تثبیت شده است.

حکم سلام در نماز: در نماز بیرون شدن از نماز فرض است و بیرون شدن از نماز با خواندن (السلام علیکم و رحمۀ الله) سنت است.

دعا بعد از سلام: برای اهتمام به دعاها و اذکار بعد از سلام در نماز برخی از این دعاها را ذکر می‌کنیم:

۱- (استغفرالله، استغفرُالله، استغفرُالله، اللهم انتَ السَّلاُم َو مِنکَ السَّلاُم تَبَارَکتَ یا ذَاالجَلالِ وَالإکرَامِ) {مسلم}.

ترجمه: من از الله متعال آمرزش می‌طلبم، من از الله متعال آمرزش می‌طلبم، من از الله متعال آمرزش می‌طلبم. الهی! سراسر سلامتی و نیکویی هستی، و همه نیکویی‌ها و سلامتی‌ها از جانب تو میباشد، بسیار با برکت هستی، ای بلند مرتبه احسان کننده و نوازش دهنده.

۲- (اللهُمَّ اعَنِّی عَلی ذِکرِکَ وَشُکرِکَ وَحُسنِ عِبَادَتِکَ) {ریاض الصالحین}

ترجمه: "الهی! مرا توفیق بخش، که همیشه ترا یاد کنم، شکرانهء نعماتت را به جا آورم و حق بندگی ات را به خوبی اداء کنم".

۳- سبحان الله ۳۳ بار، الحمدلله۳۳ بار، الله اکبر۳۳بار و یک بار (لا إله الا الله وحدَهُ لا شریک لهُ، لَهُ المُلکُ وَلَهُ الحَمدُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدِیر) {صحیح مسلم:رواه ابوهریرۀ}.

خدایا! پاکی و برتری ترا است، خدایا! همه ستایشها ترا است. الهی! از همه بزرگ و برتر تو هستی. هیچ معبودی نیست مگر الله، تنها است و شریکی ندارد، فرمانروائی حق پروردگار است، حمد، سپاس و شکر برای اوست، و او برهر چیز قادراست.

درس بیست و ششم

عنوان: آداب خواب

صفحه - ۵۱

وقت - یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف- شاگردان باید:

- خوابیدن با آداب اسلامی را یاد بگیرند.
- دعاهای خواب شدن و برخاستن از خواب را آموخته و به دیگران بیان کرده بتوانند.
- باورمند شوند که خوابیدن مطابق سنت نبوی به علاوهٔ ثواب ؛ به تندرستی انسان نیز مفید است.

معنای کلمات: (استراحت): خوابیدن، (نعمت): نیکی، احسان، مال، روزی (دروغ): گفتاری که حقیقت نداشته و ضد راست است.

دانش لازمی

آداب خواب: خواب یکی از نعمت خداوند متعال است، و نشانهٔ از نشانه‌های اوست. الله جل جلاله می‌فرماید: ﴿ **وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُم بِاللَّيْلِ..** . ﴾ [الروم:۲۳] یعنی: « و از نشانه‌های [حکمت] او خواب شما در شب است».

برای آن که مسلمان از خواب خود بهرهٔ گرفته باشد و آن را نیز به عبادت مبدل سازد بر علاوه آدابی که در کتاب درسی موجود است ؛ باید بعضی از آداب دیگر را هنگام خواب رعایت کند، از قبیل:

وقت خوابیدن: مسلمان پس از ادای نماز عشاء ؛ شب‌ها زود می‌خوابد، مگر برای کار ضروری مانند مطالعه علمی، مدت زیادی بیدار نمی ماند تا که صبح وقت از خواب برخاسته، نماز صبحش را ادا نموده و روز خویش را با نشاط آغاز نماید.

خوابیدن با وضو: پیامبرﷺ می‌فرماید: (إذا أتيت مضجعك فَتَوَضَّأ وضوءك للصَّلَاة)[**متفق عليه**] یعنی: هرگاه تصمیم گرفتی که بخوابی، پس همانند وضویت بر نماز وضو کن.

خوابیدن درجای پاک: مسلمان به پاک بودن جای خوابش اهمیت داده و در آن از خوردن و نوشیدن خود داری می‌کند.

خوابیدن بر پهلوی راست: در شروع و آغاز خواب باید بر پهلوی راست خواب شویم و پس از آن اشکالی ندارد اگر بر پهلوی چپ برگردیم.

محاسبۀ نفس: مسلمان خوب می‌داند که خواب نوعی از مرگ است، بنا بر این خویش را مورد محاسبه قرار داده و آنچه را که در روز انجام داده بررسی می‌نماید، چنانچه نتیجه خیر باشد ؛ خداوند متعال را حمد و سپاس گفته و می‌کوشد تا به کار خیرش بیفزاید، و در صورتی که نتیجۀ محاسبه اش شر و ناپسند باشد از خداوند منان آمرزش خواسته و توبه می‌کند.

پایبندی به آداب خواب و رؤیا: مسلمان اگر خوابی ببیند که نیک باشد، آن را به دوستانش مژده داده و بیان کند. اگر خواب بد دید ؛ بهتر است که آنرا به کسی نگفته و از شرّ آن به خدا جل جلاله پناه برَد.

دعای هنگام خواب: دعا و اذکار زیادی در این مورد از رسول اکرم ﷺ نقل شده است، و بهتر است که مسلمانان از آنها استفاده کرده و آن مداومت نمایند، که این دعا قرار ذیل اند:

(اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ أَمُوتُ وَأَحْيَا) [بخاری] **یعنی**:خداوندا! به نامت می‌میرم و زنده می‌شوم.

و یا هم این دعا را بخواند:

(باسْمِك رَبِّي وضعت جَنْبي وَبِك أرفعه، إِن أَمْسَكت نَفسِي فارحمها، وَإِن أرسلتها فاحفظها بِمَا تحفظ بِهِ عِبَادك الصَّالِحين). [متفق علیه] یعنی: به نام تو پهلوی خود را بر زمین نهادم، و به کمک تو از زمین بر می‌خیزم، اگر در حالت خواب جان مرا گرفتی، پس مرا بیامرز، و اگر دو باره اجازۀ زندگی دادی، آن را محافظت فرما همان طور که بندگان نیک و صالحت را محافظت می‌نمایی.

دعای برخاستن از خواب: موقع برخاستن از خواب این دعا خوانده می‌شود: (الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُور) [بخاری] یعنی: حمد و ثنا خدایی را سزاوار است که بعد از میراندن ما را زنده کرد و بازگشت به سوی اوست.

اعتدال و میانه روی درخواب: اعتدال و میانه روی در هرچیز از نشانه‌های مسلمان است؛ و او در خواب هم میانه روی را اساس کار خود قرار می‌دهد، زیرا خوابیدن بسیار منجر به تنبلی و کسالت می‌گردد.

درس بیست و هفتم

عنوان: دعای بیرون رفتن از خانه

صفحه - ۵۳

وقت - یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف - شاگردان باید:

- دعای بیرون شدن از خانه را بیاموزند.
- دعای مذکور را یاد گرفته و به دیگران بیان کرده بتوانند.
- به دعاهای مسنونه باورمند شده و الله جل جلاله را یار و یاور خود بشمارند.
- مأثورات یا اذکار مسنون را در زندگی عملی نمایند.

دانش لازمی

دُعاء: به معنی درخواست، نیایش، درخواست از خداوند، کلماتی که با آن در اوقات مختلف از خداوند متعال طلب آمرزش، درخواست خیر و برکت و برآورده شدن حاجت شود.

پیامبر گرامی اسلام به ما هدایاتی ارشاد فرموده اند که باید آنرا در نظر بگیریم و منحیث مسلمان آن را بیاموزیم، دعاهای مسنونه هم از جملهٔ دعاهای هستند که رسول اکرم ﷺ برای رهنمای ما آن دعاها را بیان کرده اند، مانند دعای بیرون رفتن از خانه، دعای داخل شدن به خانه، دعای بعد از طعام خوردن، دعای رفتن و خارج شدن از بیت الخلاء، دعای سفر، دعای سوار شدن بر مرکب و دعای خواب شدن و دعای بیدار شدن از خواب و. . . که ما مختصراً به بیان بعضی از این دعاها می‌پردازیم:

دعای بیرون رفتن از خانه: حضرت أنس بن مالک رضی الله تعالی عنه از نبی کریم صلی الله علیه وسلم روایت می‌کند- رسول الله ﷺ فرموده اند: کسیکه ا ز خانه خود می‌بر آید و این دعا را بخواند: (بِسْمِ اللَّه تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) [رواه الترمذی]. که در جوابش گفته می‌شود:

۱- تو بر راه حق هدایت شدی. یعنی به نام خدا از خانه خارج شدی؛ پس نگهبان تو الله متعال است.

۲- همه ضرورت‌های تو بر آورده. یعنی وقتی که با ذکر و نام خدا از خانه خارج شدی؛ الله جل جلاله نعمت هایش را برایت ارزانی فرموده و احتیاجات تو را رفع می‌نماید.

۳- از هر نوع شر فتنه در امان ماندی. یعنی با توکل به خداوند متعال از شر بلا و مصیبت‌ها محفوظ مانده و مال و جانت را الله جلّ جلاله نگه می‌دارد.

دعای برگشتن به خانه

از ابو مالک اشجعی روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: وقتی مرد وارد خانه اش می‌شود باید بگوید: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَوْلَجِ، وخَيْرَ الْمَخْرَجِ، بِسْمِ اللهِ وَلَجْنا، وباسْمِ اللهِ خَرَجْنا، وعَلى اللهِ رَبِّنا تَوَكَّلْنا، ثُمَّ لِيُسلِّم على أَهْلِه) [رواه ابو داود].

یعنی: «خدایا ! از تو می‌خواهم که ورودم به خانه خیر باشد و خارج شدنم از خانه بخیر باشد، بنام الله وارد شدیم و به نام الله خارج شدیم، پروردگارا به توکل کردیم، و سپس به اهل خانه خود سلام دهد».

درس بیست وهشتم

عنوان: اخلاق نیکو

صفحه – ۵۵

وقت – یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف – شاگردان باید:

- فضائل اخلاق را بیاموزند.
- فضائل اخلاق را به دیگران بیان کرده بتوانند.
- به اخلاق نیکو باور پیدا نموده و خود را به آن آراسته سازند.

معنای کلمات: أثقل: سنگین تر(وزن دار تر)، المیزان: ترازو، الخلق الحسن: اخلاق نیکو.

دانش لازمی

اخلاق نیکو: اخلاق جمع خُلُق است، به معنی خوش رفتاری، خوبی، طبیعت، سرشت، که معمولاً بر شیوه‌های نیکو اطلاق می‌گردد، همچنان به معنای دین نیز می‌باشد. و در اصطلاح اخلاق مجموعهٔ صفات روحی و باطنی انسان است. به عبارت دیگر اخلاق عبارت است از آن اوصافی که انسان‌ها با یک دیگر معامله می‌کنند که شامل خوب و بد می‌شود.

اخلاق خوب و اخلاق بَد: هرگاه خوی و طبیعت کسی چنین باشد که کارهای خوب از وی صادر شود ؛ آن را اخلاق خوب می‌گویند، و از هر کسی که کارهای بَد صادر گردد، آن را اخلاق بَد می‌نامند.

نمونه‌های از اخلاق پیامبرﷺ

قرآن کریم حضرت محمد ﷺ را به عالی ترین نمونهٔ اخلاق معرفی کرده و می‌فرماید: ﴿**وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ**﴾ [القلم: ٤]

یعنی: «تو دارای عالی ترین اخلاق(پسندیده) هستی».

بر علاوهٔ آیات متعدد قرآن کریم احادیث نبوی فراوانی چه در مورد شخصیت پیامبرﷺ و چه در بارهٔ اخلاق و و ظایف مسلمان وجود دارد که بعضی از آنها را به عنوان نمونه ذیلاً ذکر می‌نماییم:

(**إِنَّما بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ**) [السنن الكبرى للبيهقي]

ترجمه: یقیناً من جهت تکمیل نمودن بنای اخلاق نیکو مبعوث شده ام.

عَنْ عبد الله بن عمرو بن العاصﷺ: **قال**: «**لَم يَكُنْ رَسولُ اللهِ**ﷺ **فَاحِشاً، وَلا مُتَفَحِّشاً، وكان يقول**: **إنَّ مِنْ خِيَارِكم**: **أَحْسَنُكُمْ أَخْلاقًا**». [**متفق عليه**]

عبدالله بن عمرو بن العاصﷺ گوید که پیامبرﷺ نه بد کردار بود و نه بد گفتار بود، و می‌فرمود: «قطعاً بهترین شما خوش اخلاق ترین شما می‌باشد».

کسی از عایشه رضی الله عنها در مورد اخلاق رسول اکرمﷺ پرسید، وی در پاسخ گفت:(**كانَ خُلُقُه القرآن**) [رواه مسلم] یعنی اخلاق پیامبرﷺ کاملاً موافق قرآن بود.

(إنَّ الْمُؤْمَن لَيُدْرِكُ بِحُسْنِ خُلُقِه دَرَجَةَ قَائِمِ اللَّيْلِ وصائم النَّهار). [رواه أَبُو دَاوُد]

ترجمه: مؤمن با داشتن اخلاق نیک؛ درجهٔ کسی را به دست می‌آورد که شب‌ها را به عبادت و روزها را به روزه داری سپری کرده باشد.

همچنان در حدیثی می‌فرمایند: ﴿أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا﴾ [رواه أَبُودَاوُد].

ترجمه: کامل ترین مومنین با اخلاق ترین شان است.

در حدیث فوق اخلاق نیکو را مرادف و تکمیل کنندهٔ ایمان قرار داده است.

درس بیست و نهم

عنوان: نشانه‌های منافق

صفحه - ۵۷

وقت - یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف- شاگردان باید:

- نشانه‌های منافق را بیاموزند.
- نشانه‌های منافق را به دیگران بیان کرده بتوانند.
- باورمند شوند که دروغ، پیمان شکنی و خیانت از نشانه‌های منافق است و از آن اجتناب نمایند.

معنای کلمات: **آية المنافق**: نشانهٔ منافق(علامهٔ منافق)، **خانَ**: خیانت می‌کند، **کذبَ**: دروغ می‌گوید، **اذا اؤتمَن**: هرگاه امین قرار گیرد، **اذا وعدَ**: چون وعده نماید، **اخلفَ**: تخلف می‌نماید(یعنی پیمان شکنی می‌کند).

دانش لازمی

منافق: به معنی دو رو، کسی که ظاهرش برخلاف باطنش باشد، کسی که ظاهراً دوستی کند و در باطن دشمن باشد. و منافقت به معنای نفاق انداختن میان مردم و به عبارهٔ دیگر تفرقه افگنی میان مردم است.

خداوند متعال و پیامبر بزرگوارش ما مسلمانان را به صداقت و راستی امر نموده و از دروغ که یکی از نشانه‌های منافق است؛ منع می‌نماید. چنانچه در قرآن کریم آمده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ [التوبة: ١١٩]

یعنی: ای مؤمنان ! از الله بترسید و با راست گویان باشید

الله جلّ جلاله منافق را مذمت نموده و بعضی از ویژگی‌های آن را در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِّن بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [التوبة: ٦٧]

ترجمه: مردان منافق و زنان منافق همه از یک گروه هستند. آنان همدیگر را به کار زشت فرا می‌خوانند و از کار خوب باز می‌دارند و (از بذل و بخشش در راه خیر) دست می‌کشند. خدا را فراموش کرده‌اند (و از پرستش او روی‌گردان شده‌اند)، خدا هم ایشان را فراموش کرده است (و رحمت خود را از ایشان بریده و هدایت خویش را از آنان دریغ داشته است). واقعاً منافقان فرمان‌ناپذیر (و سرکش و گناهکار) هستند.

«يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ»: دست‌های خود را می‌گیرند، یعنی بُخل می‌ورزند و به احسان و انفاق و بذل و بخشش نمی‌پردازند. **«الْفَاسِقُونَ»:** کسانی که از فرمان خدا بیرون می‌روند و عاصی و گمراه می‌شوند.
همچنان رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: (**لا إيمانَ لِمَن لا أمانَةَ له، ولا دِينَ لِمَن لا عهدَ له**)[متفق علیه]
کسی که امانت را رعایت نمی‌کند ایمان ندارد، و کسی که پایبند به عهد نیست، دین ندارد.
پس بر ما لازم است تا خود را با راستی وصداقت آراسته ساخته و از دروغ، خیانت، عهد شکنی، بخل، امر به کارزشت، پرهیز نماییم تا کامیابی دنیا و آخرت نصیب ماگردد.

درس سی ام

عنوان: مسلمان

صفحه - ۵۹

وقت - یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف- شاگردان باید:

- ویژه‌گی‌های یک مسلمان را بدانند.
- اوصاف مسلمان را به دیگران بیان کرده بتوانند.
- درک کنند که مسلمان واقعی غیبت، ظلم و تجاوز به دیگران نمی‌کند.

معنای کلمات: من لسانِه: از شر زبانش، و **یده**: و از شر دستش، **سَلِمَ**: سالم بماند.

دانش لازمی

مسلمان: ما منحیث مسلمان در جامعه یک سلسله مسؤولیت‌های داریم که باید به آن پایبند باشیم و مطابق دستورات الهی گام به گام به سوی ترقی و تعالی قدم برداریم تا باشد که مانند یک مسلمان مسؤولیت پذیر به وظایف خویش عمل نموده و خود را به اخلاق و آداب اسلامی آراسته گردانیم تا سبب کامیابی دنیا و آخرت ما گردد. موضوعی به این بزرگی در یک صفحه و یا یک مقاله نمی گنجد بلکه کتاب‌ها اگر تألیف شود باز هم کم است و گویا قطرهٔ از بحر گرفته ایم که خیلی ناچیز است؛ اما مختصراً نکاتی را مطرح می‌نماییم که مسلمان آن را در نظر داشته باشد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿**كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ**﴾[آل عمران: ۱۱۰]

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید، به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند منع می‌نمایید.

همچنان الله جل جلاله در مورد اوصاف مسلمان به نیکویی یاد نموده و می‌فرماید:

﴿**وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاء بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلاَةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللّهَ وَرَسُولَهُ أُوْلَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللّهُ إِنَّ اللّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ**﴾ [التوبة: ۷۱]

ترجمه: مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند. همدیگر را به کار نیک می‌خوانند و از کار بد باز می‌دارند، و نماز را بر پا می‌دارند، و زکات را می‌پردازند، و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می‌کنند. ایشان کسانی اند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می‌گرداند. (این وعده خدا است و خداوند به گزاف وعده نمی‌دهد و از وفای بدان هم ناتوان نیست. چرا که) خداوند توانا و حکیم است.

در جای دیگر الله جل جلاله مومنان را رهنمایی نموده به آنها هدایت می‌دهد تا مومنان یک دیگر را به نام‌ها و القاب زشت صدا نزنند و می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَومٌ مِّن قَوْمٍ عَسَى أَن يَكُونُوا خَيْراً مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاء مِّن نِّسَاء عَسَى أَن يَكُنَّ خَيْراً مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الاِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [الحجرات:۱۱]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید ! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگری را استهزاء کنند، شاید آنان بهتر از اینان باشند، و نباید زنانی زنان دیگری را استهزاء کنند، زیرا چه‌بسا آنان از اینان خوبتر باشند، و همدیگر را طعنه نزنید و مورد عیبجوئی قرار ندهید، و یکدیگر را با القاب زشت و ناپسند مخوانید و منامید. (برای مسلمان) چه بد است، بعد از ایمان آوردن، سخنان ناگوار و گناه‌آلود (دالّ بر تمسخر، و طعنه زدن و عیبجوئی کردن، و به القاب بد خواندن) گفتن و بر زبان راندن! کسانی که (از چنین اعمالی و اقوالی) دست برندارند و توبه نکنند، ایشان ستمگرند (و با سخنان نیشدار، و با خُرده‌گیری‌ها، و ملقب گرداندن مردم به القاب زشت و توهین‌آمیز، به دیگران ظلم می‌کنند).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيراً مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضاً أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتاً فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴾ [الحجرات:۱۲]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید ! از بسیاری گمانها بپرهیزید، که برخی از گمانها گناه است، و جاسوسی و پرده‌دری نکنید، و یکی از دیگری غیبت ننماید؛ آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد ؟ به یقین همه شما از مرده‌خواری بدتان می‌آید (و از آن بیزارید، غیبت نیز چنین است و از آن بپرهیزید و) از خدا بترسید، بی‌گمان خداوند بس توبه پذیر و مهربان است.

همچنان رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

(المؤمُن مرْآةُ المؤمنِ، والمؤمُن أخو المؤمنِ، يَكُفُّ عليه ضَيْعَتَهُ، ويَحُوطُه من ورائه) **[سنن ابو داود]**

«مؤمن آیینهٔ مؤمن است. مؤمن برادر مؤمن است، دارایی اش را نگه می‌دارد و در غیابش از وی حمایت می‌کند»

درس سی ویکم

عنوان: صحت

صفحه - ۶۰

وقت - یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف- شاگردان باید:

- در مورد صحت و ارزش آن معلومات حاصل نمایند.
- ارزش صحت در اسلام را آموخته و به دیگران بیان کرده بتوانند.
- درک کنند که رعایت حفظ الصحه باعث می‌شود تا صحت مند بمانند.

معنای کلمات: مغبون: متضرر (زیانمند)، **نعمتان**: دونعمت، **الصحة**: تندرستی (صحتمندی)، **الفراغ**: بیکاری.

دانش لازمی

صحت: یکی از موضوعات مهمی که اسلام به آن بسیار توجه دارد و مسلمانان را به آن تشویق و ترغیب می‌نماید صحت است، البته سلامتی و تندرستی در گرو رعایت کردن نظافت و پاکی می‌باشد، در رابطه به این موضوع الله متعال می‌فرماید: ﴿ **إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ** ﴾ [البقره:۲۲۲]
یعنی « خداوند توبه‌کاران و پاکیزگان را دوست می‌دارد »

همچنان سنت‌های نبوی مانند مسواک زدن، غسل روز جمعه، غسل عیدین، پاک ساختن جامه از نجاست، پاک نگهداشتن خانه، مسجد، کوچه و مکتب نشانهٔ روشنی است بر توجه اسلام برصحت و تندرستی ما مسلمانان و جامعهٔ اسلامی ما چنانچه رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

(الطهور شطر الإيمان) [رواه مسلم] یعنی: نظافت جزء ایمان است.

همچنان رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

قَالَ رَسُولُ اللَّه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْه وَسَلَّم: الْمُؤْمن الْقَويُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّه منَ الْمُؤْمنِ الضَّعيف, وَفي كُلٍّ خَيْرٌ, احْرِصْ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ وَاسْتَعنْ باللَّه وَلاَ تَعْجَزْ. وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ فَلاَ تَقُلْ: لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَذَا لَكَانَ كَذَا وَكَذَا, وَلَكنْ قُلْ: قَدَّرَ اللَّهُ وَمَا شَاءَ فَعَلَ, فَإِنَّ "لَوْ" تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ». [رواه مسلم]

ترجمه: رسول خداﷺ فرمودند: «مؤمن قوی از مؤمن ضعیف نزد خدا بهتر و محبوب‌تر است، ولی در هریک خیر و برکتی متفاوت وجود دارد، و تو ای مسلمان نسبت بدآنچه نفعت را در بر دارد حریص باش، و بر خدا توکل نما، عجز و ناتوانی بخود راه مده و چنانچه چیزی ناپسند برایت پیش آمد مگو: اگر چنان

می‌کردم چنان می‌شد، بلکه بگو: تقدیر خداوند چنین بود و خدا هرکاری خواسته باشد انجام می‌دهد، زیرا لفظ «اگر» وسوسه‌های شیطانی را گسترش می‌دهد».

بنا بر هدایات فوق بر ما لازم است تا منحیث مسلمان لباس، بدن، خانه، کوچه و مسجد خویش را پاک نگه بداریم تا تندرست و صحت مند باشیم تا توانایی خدمت برای خود، فامیل و جامعهٔ اسلامی خویش را داشته باشیم.

درس سی و دوم

عنوان: ترحم بر حیوانات

صفحه - ۶۳

وقت - یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف- شاگردان باید:

- بدانند که حیوانات هم حقوقی دارند.
- حقوق حیوانات را دانسته و به دیگران نیز بیان کرده بتوانند.
- درک کنند که آزار و اذیت حیوانات ؛ بی موجب گناه است و ترحم بر آنها ثواب دارد.

دانش لازمی

ترحم بر حیوانات: دین مقدس اسلام تأکید فراوان بر مهربانی و دلسوزی دارد، لذا مسلمان باید برای حیوانات غذا، آب و مکان مناسبی را مهیا نماید و شکر خدا بجا آورد که حیوانات را در خدمتش قرار داده است و باید به درستی از حیوانات استفاده نماید.

الله جل جلاله انسان را خلق کرد و به او کرامت بخشید و قدرت استفاده از حیوانات را برای خدمت به او در برآورده ساختن نیازهایش به تسخیرش در آورد، انسان از گوشت و شیر آنها تغذیه نموده و لباس هایش را از پشم و پوست آنها می‌سازد و برخی دیگر از حیوانات بارکش و سواری مانند: قاطر و مرکب را در خدمت انسان قرار داده تا در حمل و نقل از آن‌ها استفاده کنند، البته با وجود پیشرفت در عرصهٔ حمل و نقل؛ هنوز هم در راه‌های صعب العبور از آنها استفاده می‌گردد.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ۞ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ۞ وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُواْ بَالِغِيهِ إِلاَّ بِشِقِّ الأَنفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ ۞ وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لاَ تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۵-۸].

ترجمه: و چارپایان را برای شما آفرید در آنها برای شما [وسیله] گرمی و سودهایی است و از آن‌ها می‌خورید (۵) و در آنها برای شما زیبایی است آنگاه که [آنها را] از چراگاه برمی‌گردانید و هنگامی که [آنها را] به چراگاه می‌برید (۶) و بارهای شما را به شهری می‌برند که جز با مشقت بدنها بدان نمی‌توانستید برسید قطعا پروردگار شما رؤف و مهربان است (۷) و اسبان و استران و خران را [آفرید] تا بر آنها سوار شوید و [برای شما] تجملی [باشد] و آنچه را نمی‌دانید می‌آفرینند (۸)

همچنان رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:
پیامبرﷺ برای اصحابش بیان می‌کند که مردی در راهی می‌رفت، سخت تشنه شد و دنبال آب می‌گشت تا بنوشد. و چاهی را دید در آن فرو شد و آب آشامید، و بعد از آن بیرون شد، ناگهان سگی را دید که از شدت تشنگی زبان از کامش برآمده بود، از تشنگی خاک تر را می‌خورد. با خود گفت :این سگ هم مثل من به سختی تشنه شده، پس به چاه درآمده و کفشش را آب پُر کرده آن را به دهن خود گرفت، از چاه بالا آمد و سگ را سیراب کرد، خداوند مزد این عمل را داد و او را آمرزید. صحابه گفتند :یا رسول الله، آیا در کمک کردن به چهار پایان پاداش داده می‌شود؟ آن حضرت ﷺ فرمود: (في کل ذات کَبِد رَطْبة أجر) در (کمک به) هر جگر تازه ای(جانداری) پاداش است. [متفق علیه]
رسول خدا ﷺ لانه‌ی مورچه‌ای را دید که صحابه سوزانده بودند، پرسید "**مَنْ حَرَّقَ هَذِهِ؟**" یعنی: چه کسی این را سوزانده است؟
گفتند: ما؛ فرمود: (**إِنُّه لَا يَنْبَغِي أَنْ يُعَذِّبَ بِالنَّارِ إِلَّا رَبُّ النَّارِ**) [ابوداود] یعنی همانا نمی‌سزد که جز پروردگار آتش، کسی به آتش عذاب نماید.
مسلمان، حیوان یا پرنده ای را نمی آزارد و چه برسد که با آتش آن را عذاب دهد. ام المؤمنین عایشه – رضی الله عنها – در سفر همراه رسول الله ﷺ بود. همانطور که سوار بر شتر بود، آن را به شدت می‌راند، پیامبر ﷺ به او فرمود: «علیک بالرفق»[مسلم] یعنی: « با او به نرمی رفتار کن».